

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۴۰ویژگی از خصوصیات ام المؤمنین حضرت خدیجہ کبریٰ علیہا السلام
سید مصطفیٰ علامہ مہری

سرشناسه: علامه مهري، سيدمصطفی، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام پديدآور: محبوبه الرسول: ۴۰ ويژگي از خصوصيات ام المومنين حضرت خديجه كبرى عليها السلام / سيدمصطفی علامه مهري؛ به سفارش
 دفتر نمايندگي ولي فقيه در جمعيت هلال احمر استان قم.
 مشخصات نشر: قم: علامه بحراني، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهري: ۸۱ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ م.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۳۴-۳-۱
 وضعيت فهرست نويسی: فيبا
 عنوان ديگر: ۴۰ ويژگي از خصوصيات ام المومنين حضرت خديجه كبرى عليها السلام.
 موضوع: خديجه (س) بنت خويلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.
 شناسه افزوده: جمعيت هلال احمر استان قم. دفتر نمايندگي ولي فقيه
 رده بندي كنگره: ۱۳۹۸ م۳ ۷۳۳/ع۲/۲۶ BP
 رده بندي ديويي: ۲۹۷/۹۷۲۲
 شماره كتابشناسي ملي: ۵۶۸۲۹۸۴

نام کتاب: محبوبه الرسول

نويسنده: سيد مصطفی علامه مهري

مدیر هنری: علیرضا نظری مهر ۰۹۱۲۴۵۲۶۳۸۶

شمارگان / جلد: چاپ اول / ۵۰۰ جلد

چاپخانه: قدس

ناشر: انتشارات علامه بحرانی ۰۹۱۲۷۵۴۴۲۴۰

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

دفتر نمايندگي ولي فقيه جمعيت هلال احمر استان قم



جمعيت هلال احمر



انتشارات علامه بحرانی



978-600-91934-3-1

فهرست

- فهرست ۵
- مقدمه ۸
- خلاصه زندگینامه ۱۱
- ۱- سلام خداوند بر حضرت خدیجه (علیها السلام) ۱۲
- ۲- مباحثات خداوند به حضرت خدیجه (علیها السلام) ۱۴
- ۳- مباحثات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به حضرت خدیجه (علیها السلام) ۱۵
- ۴- مباحثات معصومین (علیهم السلام) به حضرت خدیجه (علیها السلام) ۱۷
- ۵- حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) درسرخن غیر معصومین ۲۲
- ۶- برتری حضرت خدیجه (علیها السلام) از دیدگاه حضرت آدم (علیه السلام) ۲۴
- ۷- خاندان حضرت خدیجه (علیها السلام) ۲۵
- ۸- اشتراک نسب خدیجه (علیها السلام) با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۲۶
- ۹- طاهره ۷۲
- ۱۰- سیده زنان قریش ۲۸
- ۱۱- پناه نیازمندان ۲۹
- ۱۲- ام المؤمنین ۳۱
- ۱۳- سیده نساء العالمین ۳۲
- ۱۴- برترین بانوی امت ۳۳
- ۱۵- سرچشمه برکت و خیر فراوان ۳۴
- ۱۶- بصیرت، ذکاوت و تیز هوشی حضرت خدیجه (علیها السلام) ۳۶
- ۱۷- ازدواج بابرکت ۳۷
- ۱۸- سبب تزویج رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با خدیجه کبری (علیها السلام) ۳۸

- ۱۹- سبب تمایل حضرت خدیجه علیها السلام به این ازدواج ۴۰
- ۲۰- برترین معیار در انتخاب همسر ۴۱
- ۲۱- ازدواج از "منیت" رستن و به "ما" پیوستن است ۴۲
- ۲۲- شرح صدر حضرت خدیجه علیها السلام ۴۳
- ۲۳- درسی بزرگ ۴۵
- ۲۴- حضرت خدیجه علیها السلام همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت ۴۶
- ۲۵- بهشت مشتاق دیدار حضرت خدیجه علیها السلام ۴۷
- ۲۶- حضرت خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله 48
- ۲۷- سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 49
- ۲۸- حضرت خدیجه علیها السلام به غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسی ازدواجی نداشته است ۵۰
- حضرت خدیجه علیها السلام الگوی برتر شوهرداری ۵۲
- ۲۹- احترام به شخصیت شوهر ۵۳
- ۳۰- تلاش برای جلب رضایت همسر ۵۳
- ۳۱- بیان غیر مستقیم خواسته ها ۵۴
- ۳۲- اظهار علاقه به همسر ۵۵
- ۳۳- اولین زن مسلمان ۵۷
- ۳۴- ایمانی آگاهانه ۵۹
- ۳۵- حضرت خدیجه علیها السلام وزیر صداقت ۶۱
- ۳۶- تاح حضرت خدیجه علیها السلام در حیات بود پیامبر صلی الله علیه و آله زنی دیگر اختیار نکرد ۶۲
- ۳۷- همسر فداکار و یار باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۳
- ۳۸- محبت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حضرت خدیجه کبری علیها السلام ۶۴

۳۹- اولین زن نمازگزار	۶۶
۴۰- حضرت خدیجه علیها السلام و یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله	۶۸
سوالات مسابقه	۷۲
پاسخنامه	۷۷



مقدمه

جمعیت هلال احمر استان قم به مدت پنج سال است که در شب دهم ماه مبارک رمضان به مناسبت سالروز رحلت ام المؤمنین خدیجه کبری (علیها السلام) همایشی با حضور مددجویان، خیرین، مسئولین و با سخنرانی سخنرانان مشهور در ذکر فضائل و بیان ویژگی های اخلاقی حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) برگزار می نماید و در این راه پیشگام می باشد. حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) علاوه بر مقام همسری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و خصوصیات و ویژگی های عالی اخلاق فردی و اجتماعی، در زمینه ی حقوق بشر دوستانه الگویی شایسته برای همه ی بشر دوستان می باشد. منزل او پناهگاه بینوایان، مستمندان و بی سرپرستان بوده است. حضرت خدیجه (علیها السلام) هم نیازهای مادی آنها را برآورده می کرد و هم روح آزرده ی

آنها را با روحیه ی بشردوستی و تکریم، التیام می بخشید. و برای نجات جامعه انسانی از منجلاب فساد و ظلم و مفساد اخلاقی در کنار همسر خود، رسول خدا ﷺ همه ی مال و ثروت خود و حتی جانش را فدا کرد. جا دارد که جمعیت هلال احمر در بزرگداشت مقام شامخ بزرگ بانوی باکرامت اسلام توجهی ویژه داشته باشد؛ به همین منظور چند پیشنهاد ارائه می کنیم:

۱. جمعیت هلال احمر به ویژه حوزه نمایندگی ولی فقیه زمینه ای فراهم کنند که در شب رحلت این بانوی بزرگ اسلام اهتمام بیشتری داشته باشند.
۲. همایشی سالانه، ملی و یا بین المللی برای تکریم شخصیت حضرت برگزار شود.
۳. همانگونه که جایزه ”صلح و بشریت“ هر چهار سال و جایزه ”هانری دونان“ هر دو سال به افرادی که خدمات مهم و جهانی انجام داده اند اعطا می گردد، جایزه ای تحت نام ”حضرت خدیجه (س)“ به افرادی که خدمات عام المنفعه با شرایط ویژه به جامعه ارائه می دهند اعطا گردد.

حضرت خدیجه ی کبری (س) از زنان نامداری است. که باتیزبینی و دوراندیشی و بصیرتی که در پی معنویت و پاکی و دوری از مفساد جامعه آن روز که اکثر زنان را به دام خود کشانده بود، توانست در میان هیاهوی فریفتگان دنیا و مستان مقام و ثروت و نخوت و خود بزرگ بینی، هدف پاک خود را بیابد و همسفری شخصی را برگزیند که سراسر وجودش پاکی بود و صفا و معنویت؛ ولی بخاطر نداشتن مال دنیا او را ”محمدتیم“ می گفتند. ولی ۹ نمی دانستند که او نتیجه ی خلقت است و هدف ارسال همه پیامبران مرسل، او خاتم همه پیامبران و بنیان گذار تمدن بزرگ اسلامی است. آری خدیجه (س) با انتخاب شایسته ی خود توانست شریک زندگی مردی شود که پرده های جهل و بت پرستی را از جامعه کنار زده و نور الهی را به عالم بتاباند. وی با این انتخابش توانست مادرانواری گردد که صحنه



هایی مانند حادثه ی عاشورا را رقم بزنند و خط هدایت را تا دامنه ی تاریخ ترسیم نمایند. و نام خود را به عنوان مادر نیکان و خدا باوران (ام المؤمنین) و همسر پیامبر ﷺ تأقیامت ثبت کند .

در مدتی که برای معالجه در بیمارستان آیت الله طالقانی (رحمته الله) تهران بستری بودم براین شدم که چهل نکته از حیات طیبه ام المؤمنین خدیجه کبری (علیها السلام) جهت استفاده ی جامعه ی ایمانی به ویژه خواهران عزیز بنویسم برای این توفیق شاکر درگاه الهی هستم.

بر خود لازم می دانم از ریاست محترم بخش جناب استاد دکتر فتحعلی و معاون ایشان استاد خانم دکتر مهدی زاده و استاد خانم دکتر پر خیده و خانم دکتر رحمانی و سرپرستاران خانم صیادی نیا و خانم صحراپور و همه ی پرستاران محترم و دلسوز و کادر محترم نیروهای خدماتی و دیگر عزیزان که خالصانه زحمت می کشیدند کمال تشکر نمایم.

۱۳۹۷/۵/۴ هجری شمسی برابر ۱۱ ذیقعدہ ۱۴۳۹ سالروز میلاد پربرکت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء

سید مصطفی علامه مهری



خلاصه زندگینامه

نام: « خدیجه (علیها السلام) » به اتفاق همه مورخین و محدثین .

کنیه :

۱. « ام المؤمنین »

۲. « ام هند »

۳. « ام القاسم »^۱

لقاب :

۱. « طاهره » که در جاهلیت نیز به این لقب معروف بوده است .

۲. « مبارکه »^۲



۱- بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ۱۶ ، ص ۱۳

۲- بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ۲۱ ، ص ۳۵۱



۳. «سیده نساء قریش»^۱

۴. «سیده نساء العالمین»

۱- سلام خداوند بر حضرت خدیجه (علیها السلام)

سلام به عنوان تحیت الهی که هم مبارك است و هم پاکیزه معرفی شده است. : « فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ؛

هنگامی که وارد خانه‌ای شدید بر یکدیگر تحیت الهی بفرستید تحیتی پر برکت و پاکیزه »

و ضمناً می‌توان از آن استفاده کرد که معنی سلام علیکم در اصل «سلام الله علیکم» است، یعنی درود پروردگار بر تو باد، یا خداوند تو را به سلامت دارد، و در امن و امان باشی به همین جهت سلام کردن يك نوع اعلام دوستی و صلح و ترك مخاصمه و جنگ محسوب می‌شود.

از پاره‌ای از آیات قرآن نیز استفاده می‌شود که تحیی اهل بهشت نیز سلام است. «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَاماً»^۲

اهل بهشت در برابر استقامتشان از غرفه‌های بهشتی بهره‌مند می‌شوند و تحیی و سلام به آنها نثار می‌شود. «و در سوره ی ابراهیم و یونس درباره بهشتیان نیز می‌خوانیم «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»؛ تحیت آنها در بهشت سلام است.» خدای متعال بر افراد خاصی

از پیامبران مانند: حضرت «نوح (علیه السلام)» و حضرت «ابراهیم (علیه السلام)» و حضرت «یحیی (علیه السلام)» سلام و درود و تحیت می‌فرستد. از این مطالب ما به مقام بلند و رفیع حضرت خدیجه (علیها السلام) پی می‌بریم که بارها سلام خاص پروردگار عالمان توسط جبرئیل امین (علیه السلام) به او رسیده

۱- شرح الموهب، زرقانی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- تنویر، آیه ۶۱.

۳- فرقان، آیه ۷۵.

۴- براهیم، آیه ۲۳ و یونس، آیه ۱۰.

است . « أَتَى جَبْرِئِيلُ ع النَّبِيَّ ص فَقَالَ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ مُعْطَى فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَ مِنِّي وَ بَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قُصْبٍ لَا صَحْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ .^۱ جبرئیل (علیه السلام) خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این خدیجه (علیها السلام) می باشد که آمده و همراه او ظرفی ست؛ داخل آن، خورش یا غذای آب می باشد؛ هرگاه نزد تو آمد، از جانب پروردگارت و من، به او سلام برسان و وی را به بهشتی بشارت ده که در آن، سرو صد او زحمت نیست ! .» و زواره از امام باقر (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند که : «وقتی در شب معراج ، جبرئیل مرا به آسمان ها برد و سیر داد. هنگام برگشت ، به جبرئیل گفتم: «آیا درخواستی داری ؟» جبرئیل (علیه السلام) گفت : «درخواست من این است که سلام خدا و مرا، به حضرت خدیجه (علیها السلام) رسانی !» پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (علیها السلام) ابلاغ کرد. حضرت خدیجه (علیها السلام) گفت : ذات پاک خدا ، سلام است و سلام از اوست و به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل (علیه السلام) سلام باد!^۲ و مجلسی در حدیثی دیگر نقل می کند که : « جبرئیل (علیه السلام) به خدیجه (علیها السلام) که (در جستجوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در درّه تاب می خورد نگاهی نمود و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مگر خدیجه (علیها السلام) رانمی بینی که از گریه ی او (برای مشکلات شما) فرشتگان آسمان می گریند؟ او را بخوان تا نزد تو آید، پس از جانب من به او سلام برسان و به او بگو: همانا خدا تو را سلام می رساند!^۳»



۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۶، ص ۸؛، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، علی بن عیسیٰ اربلی ج ۱، ص ۵۰۸؛، الصحیح، بخاری، ج ۶، ص ۱۲۲.
 ۲- البرهان فی تفسیر القرآن، علامه بحرانی، ج ۳، ص ۳۹۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۸، ص ۳۸۵.
 ۳- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۲- مباحات خداوند به حضرت خدیجه (علیها السلام)

یکی از فضائل مهم حضرت خدیجه (علیها السلام) این است که: خدای متعال هر روز چندین بار به وجود آن حضرت، بر ملائکه مباحات می کند. هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مأموریت یافت برای انجام برنامه ی عبادی، چهل شبانه روز دوران همسر با وفایش به نیایش پردازد، توسط عمار یاسر برای حضرت خدیجه (علیها السلام) پیام فرستاد: « يَا خَدِيجَةُ لَا تَطْنِي أَنْ انْقِطَاعِي عَنْكَ [هِجْرَةً] وَلَا قَلِيَّ وَلَكِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِذَلِكَ لَتَنْفِذَ [لِيُنْفِذَ] أَمْرَهُ فَلَا تَطْنِي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيُبَاهِيَ بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلَّ يَوْمٍ مَرَارًا؛ ای خدیجه (علیها السلام) گمان نکنی که دوری کردن من از تو، بیزاری و تنفر است، بلکه پروردگارم مرا به این (برنامه عبادی) فرمان داده تا امرش را اجرا نمایم! پس ای خدیجه (علیها السلام) گمانی جز نیکی و خیر نداشته باش که خداوند عزیز و جلیل، هر روز چندین مرتبه به وجود تو بر فرشتگان مقرب مباحات می کند! »



۳- مباهات پیامبر اکرم ﷺ به حضرت خدیجه

پیامبر عظیم الشان ﷺ در موارد متعدد و با عبارت های مختلف شخصیت همسر خود حضرت خدیجه را مورد تمجید و تقدیر قرار داده و به داشتن چنین همسری مباهات کرده است که در این مجموعه به مواردی اشاره خواهد شد مانند روایتی که مورخین و محدثین شیعه و سنی از عایشه نقل کرده اند که روزی رسول خدا ﷺ در حضور همسرانش از حضرت خدیجه یاد کرد، عایشه از خدیجه بدگویی کرد و گفت: خدا بهتر از او به تو داده است. رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَأَسَنَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَلَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا؛ خدا بهتر از او را به من نداده است. وقتی مردم مرا کافر شدند او به من ایمان آورد و هنگامی که مردم مرا تکذیب نمودند او مرا تصدیق کرد. وقتی که مردم مرا از یاری و کمک مالی محروم کردند او مرا در مال خود شریک گردانید و خداوند از او به من فرزند عطا کرد و از دیگران به من عطا نکرد.»

و در کلامی دیگر می فرماید: «خدیجه و این مثل خدیجه را؟ صدقنی حین کذبنی الناس، و وازرتنی علی دین الله، و اعانتنی علیه بمالها...»^۱؛ از خدیجه سخن گفتید؟ کجا مانند خدیجه (آن بانوی با وفا و با خرد و دور اندیش) پیدا می شود؟ در زمانی که مردم دعوت مرا به توحید و یگانه پرستی تکذیب کردند و با ایمانی استوار و با شهادت مرا تصدیق کردند و با فداکاری و درایت در راه پیشبرد دین خدا یاریم کرد. و با بذل مال و داراییش در راه خدا مرا مدد رساند. خداوند به پاس آن رنجها و زحمتهای فداکاریها به من دستور داد که او را به بهشت با طراوت و منزلگاهی آرام و دلنشین به دور از هرگونه رنج و درد و سرو صدا بشارت دهم!»



۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۱۱۷؛ الاقصاح مفید، ص ۲۱۷.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۳۰.



همچنین نقل شده روزی رسول خدا ﷺ مردم را به مسجد فراخواند و در حضور مردم مقام شامخ امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) را به مردم معرفی کرد و فرمود: «ألا أدلكم على خير الناس جدًّا وجدَّة؟»^۱ ای مردم آیا شمارا به بهترین انسان ها از جهت جد و جده راهنمایی نکنم؟ حاضران عرض کردند آری ما را خبرده و راهنمایی کنید. فرمود: الحسن والحسين أنا جدُّهما سيّد المرسلين، وجدَّتْهُما خديجة الكبرى سيّدة نساء أهل الجَنَّة^۲؛ آنها حسن و حسين (علیه السلام) هستند که جدشان رسول خدا ﷺ سيد و بزرگ پیامبران است و جده آنها خديجه (علیه السلام) سيده ی زنان اهل بهشت است.»

۱-//الانصاف، علامه بحرانی، ص ۳۷۸: کتابه الاثر، خزاز رازی، ص ۹۸.

۲- همان.

۴- مباحات معصومین (علیهم السلام) به حضرت خدیجه (علیها السلام)

امام علی (علیه السلام)

جایگاه و منزلت ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) در نزد ائمه معصومین (علیهم السلام) چنان بود که همواره بافتخار و باعظمت از او یاد می کردند.

مهر و محبت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نسبت به او چنان بود که او را مادر واقعی خود می پنداشت و در رثای او اشک می ریخت و در عظمت مقام او شعر می سرود:

أعیننی جودا بارک الله فیکما
علی هالکین ماتری لهما مثلاً
علی سید البطحاء وابن رئیسها
وسیدة النسوان أول من صلی
مصاحبهما دجی لی الجوا والهو
فبت آقاسی منهما لهم والثکلی^۱
ای چشمان من خدابه شما برکت دهد، بردونفر که ازدنیارفتند و نظیری نداشتند اشک
بریزید!

برسید و سرور بطحاء و پسر رئیس آن و برسیده ی زنان نخستین نمازگزار!
مصیبت آن دو فضا و هوا را بر من تاریک کرد. در غم آنها محزون و غمناک هستم.
و در خطبه ی قاصعه در شأن او فرمود: در آن روزگار در هیچ خانه ای اسلام ظهور نکرده
بود و مسلمانی نبود جز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و خدیجه (علیها السلام) و من سومین ایشان بودم^۲.

حضرت زهرا (علیها السلام)

در بیانی زیبا امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) در مقام مفاخره ضمن برشمردن
ویژگی هایی که خداوند به آنها داده است. در پاسخ امام علی (علیه السلام) که می فرماید: «أَنَا وَلَدُ
فَاطِمَةَ ذَاتِ التَّقَى...»؛ من فرزند فاطمه (بنت اسد) آن بانوی با تقوا و پروا پیشه هستم.
حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: «أَنَا ابْنَةُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى...»؛ و من فرزند آن بانوی گران مایه



۱- منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲- نهج البلاغه، خ، قاصعه، ص ۴۰۶.

و بزرگ، خدیجه کبری (علیها السلام) هستم!»

امام حسن مجتبی (علیه السلام)

حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) که در زیبایی ظاهر و باطن سرآمد همگان بوده اند، در رابطه با تفسیر آیه ی شریفه: «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ!» و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.» فرمود:

«صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ، فَكَانَ عَلَيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ وَ كُنْتُ أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى (علیها السلام) ...»^۲؛

آنگاه که خدای توانا، طرح آفرینش افکند و انسان هارا آفرید، حضرت علی (علیه السلام) از پدرش حضرت ابوطالب (علیه السلام) را در سیمای منش، شبیه ترین فرد به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آفرید و امام حسین را شبیه ترین فرد به حضرت فاطمه (علیها السلام) و من در سیمای منش، شبیه ترین فرد به جدی گرانمایه ام حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) هستم!^۳

امام حسین (علیه السلام)

سید جوانان اهل بهشت ابی عبد الله الحسین (علیه السلام) در روز عاشورا برای بیداری و هدایت لشکر فریب خورده ی عمر سعد خطبه ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «فَإِنِّي ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ وَ جَدَّتِي خَدِيجَةُ زَوْجَةُ نَبِيِّكُمْ»^۴؛ من، پسر دختر پیامبر شما هستم و جدی ام خدیجه (علیها السلام) همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد.» و همچنین در بیانی دیگر خطاب به لشکریان عمر و سعد فرمود: «قَالَ أَنَشِدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ

۱- انقطاع، آیه ۸.

۲- نور الثقلین، عبد علی بن جمعه حویزی، ج ۵، ص ۵۲۲؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب ج ۳، ص ۱۷۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۴، ص ۳۱۶.

۳- خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری، حسین تهرانی، ص ۳۸ و ۳۹.

۴- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶.



نِسَاءَ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا... شمارابه خدا سوگند! آیامی دانید که جده ی من خدیجه علیها السلام دختر خویلد نخستین زنی است که اسلام را اختیار نمود.

امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در سخنرانی حساس، تاریخ ساز و بیدارگرش در مسجد اموی در بارگاه ستم یزیدیان در معرفی خود به مردم ”شام“ ضمن معرفی و بیان اجداد طاهرینش در کنار نام با برکت رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، با افتخار نام جده ی خود را می برد و خود را فرزند او معرفی می کند و می فرماید: ”من فرزند خدیجه کبری علیها السلام هستم...«۱» أنا بن خدیجة الکبریٰ «۲»

و همچنین هنگام دعا و نیایش با پروردگار خویش پس از درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، بر جده ی خویش خدیجه کبری علیها السلام درود می فرستد. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى^۳؛ بار پروردگارا درود خودت را بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر برگزیده الهی و بر حضرت علی علیه السلام آن انسان بزرگی که اندیشه، منطق و منش او مورد رضای درگاه الهی بود و بر فاطمه زهرا علیها السلام و بر بزرگ بانوی اسلام حضرت خدیجه کبری علیها السلام نثار فرما!...»

امام صادق علیه السلام

رئیس مذهب شیعه امام جعفر الصادق علیه السلام در بیان شخصیت ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام فرمود: «او همان سالار و سرور و بزرگ بانوان قریش است. که دست رد بر سینه ی خواستگاری بزرگان و امیران و زمامداران عصر خویش زد، و بخاطر روشن بینی و آینده نگری و کمال جویش، خود را به همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آورد. چرا که نویده‌ها



۱- مالک، شیخ صدوق، مجلس ۳۰، ص ۱۵۸؛ بهوف، سید بن طاووس، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

۲- المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۵، ص ۱۷۴.

۳- مهج الدعوات، سید رضی الدین ابن طاووس، ص ۱۶.



و بشارت های الهی از کتابهای پیشینیان را از دانشمندان اهل کتاب و دانایان عصر خویش در وصف محمد ﷺ و آینده ی درخشان او شنیده بود!.^۱»

امام رضا ﷺ

امام رضا ﷺ در دیدار «سعد اشعری قمی» در بیان مقام با عظمت حضرت معصومه ﷺ فرمود: «ای سعد هر کس او را با معرفت زیارت کند و حق او را بشناسد بهشت بر او واجب است!» سپس دستور چگونگی زیارت او را می دهد. این زیارت که از نادر زیارت نامه های امام زادگان است که بطور خصوصی وارد شده و در این زیارت، حضرت معصومه ﷺ پس از رسول خدا به مادرش فاطمه ی زهرا ﷺ و جده ی بزرگوارش خدیجه کبری ﷺ معرفی می کند! «... السلام علیک یابنت رسول الله ﷺ السلام علیک یابنت فاطمة ﷺ و خدیجة ﷺ...»^۲

امام حسن عسکری ﷺ

امام عسکری ﷺ در نیایش با پروردگارش و صلوات و درود بر مادرشان فاطمه زهرا ﷺ اینگونه جده اش خدیجه کبری ﷺ را یاد می کند:

« بار خدا یا بر حضرت فاطمه ﷺ و بر مادر ارجمندش حضرت خدیجه ﷺ، بانوی والا مقام درود فرست که به خاطر، مقام والای پیامبر حضرت محمد ﷺ گرامی داشته شود و دیدگان فرزندانش را روشن فرمایی!...»^۳

بقية الله الأعظم حجة بن الحسن العسكري ﷺ

در دعای مشهور ندبه چنین مورد خطاب قرار می گیرد: «أَيُّنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِفِ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى

۱- حلیة الابرار، علامه بحرانی، ج ۱، ص ۵۰؛ الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۱، ص ۳۸ و ۲۲۴؛ اعلام الوری، طبرسی، ص ۴۲، قرب الاسناد، ابوالعباس حمیری قمی، ص ۳۲۵.
 ۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۹۸۲.
 ۳- جمال الأسبوع، سید رضی بن طاووس، ص ۴۸۶.

وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى^۱؛ کجاست که اگر در مانده ای دعا کند مستجاب گردد؟ کجاست پیشوایی که نیکو کار و پارسا است؟ کجاست فرزندی امیر صلی الله علیه و آله برگزیده ی خدا و علی مرتضی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و الامام فاطمه ی زهرا علیها السلام؟»



۱- المزار الکبیر (للمشهدی)، ج ۱، ص ۵۷۹؛ الإقبال بالأعمال الحسنة، سید بن طاووس، ج ۱، ص ۵۰۹؛ المصباح المنیر، میرزا علی مشکینی، ص ۵۷۹.

۵- حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) درسرخن غیر معصومین

توصیفات ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) در کلام بزرگان، علما و دانشمندان خیلی بیش از این است که در اینجا آورده شود ما فقط به چند مورد اشاره می کنیم:

حضرت ابوطالب (علیها السلام)

حضرت ابوطالب (علیها السلام) پدر بزرگوار امیرمؤمنان علی (علیه السلام): هنگام خواستگاری حضرت خدیجه (علیها السلام) برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این گونه او را توصیف کرد: «کریمه ی شما را که موصوف به بخشندگی و سخاوت و پاکدامنی و عفت است، و فضیلت و بزرگواری وی بر سر زبان ها می باشد خواستگاری می کنم.^۱»

حضرت زینب کبری (علیها السلام)

در روز یازدهم محرم سال ۶۱ ه.ق، وقتی بالای پیکر برادرش حسین بن علی (علیه السلام) آمد خطاب به جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پدرش علی مرتضی (علیه السلام) جملاتی جانسوز بیان کرد و از جدش خدیجه کبری (علیها السلام) اینگونه یاد کرد: «بأبي خديجة الكبرى (علیها السلام)؛ پدرم به فدای خدیجه (علیها السلام)، آن بزرگ بانو باد!»

ام السلمة

همسر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله): «خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: هر چه درباره حضرت خدیجه (علیها السلام) بیان می کنید او همان گونه بوده که می فرماید.^۲»
اسماء بنت عمیس: خطاب به حضرت خدیجه (علیها السلام): «أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ^۳؛ تو سیده ی زنان جهانیان هستی.^۴»

زید بن علی بن حسین (علیه السلام)

زید بن علی رهبر قیام و انقلاب عظیم بر علیه حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک دهمین خلیفه عباسی بوده که به شهادت رسید در مقابل دشمن اینگونه استدلال کرده و خود را معرفی می کند: «فَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَوْدَةِ أَبْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ جَدَّتْنَا خَدِيجَةَ...^۵؛ پس



۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۶ ص ۶۹.

۲- همان، ج ۴۵، ص ۵۹.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۴- همان، ص ۱۳۸.

۵- تفسیر قرآن کوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۲۴۶.

ما سزاوار تر به دوستی هستیم، چرا که پدر ما، رسول خدا ﷺ جده ی ما، خدیجه ﷺ، مادر ما فاطمه ﷺ و پدر ما، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ است.»
و در بیانی دیگر می فرماید:

« رسول خدا جد ماست ؛ و پسر عمش که به وی ایمان آورد و در راه یاری دین خدا مهاجرت کرد پدر ما، و دختر بزرگوارش (فاطمه ی زهرا ﷺ) مادر ماست و همسر ارجمندش (خدیجه کبری ﷺ) جده ی مامی باشد. ا و ابْنُ عَمِّهِ الْمُؤْمِنُ بِهِ الْمُهَاجِرُ مَعَهُ أَبُونَا وَ ابْنَتُهُ أُمُّنَا وَ زَوْجَتُهُ أَفْضَلُ أَرْوَاحِهِ جَدَّتُنَا ۱ »

عبدالله زبیر

عبدالله زبیر با این که باخاندان رسالت و اهل بیت عصمت و طهارت دشمنی می کرد اما در گفتگویی با ابن عباس بر خدیجه ﷺ به عنوان عمه اش افتخار کرده و می گوید: «أَلَسْتُ تَعْلَمُ... أَنَّ عَمَّتِي خَدِيجَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﷺ » «آیا نمی دانی که عمه ام خدیجه ﷺ، سرور بانوان دوجهان است؟!»

محدث اربلی

حضرت ام المؤمنین خدیجه ﷺ زنی تیزبین، اندیشمند و با شرافت بود. او در عصر خود از لحاظ نسب قریشی و با اهمیت و دارای شرافتی والا بود. از نظر دارایی از همه دارا تر بود و کسی از اقوامش به او نمی رسید...^۲

نفس زکیه

محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی ﷺ مشهور به نفس زکیه در سال ۱۴۵ هـ - ق در مدینه قیام کرد. منصور دوانیقی او را به ترک قیام و بیعت خودفرا خواند. محمد برای اثبات برتری و شایستگی خود به خلافت در جواب منصور نامه ای نوشت و از امتیازات خود نوشت از جمله گفت: مادر من خدیجه ﷺ بنت خویلد است برترین زنان و نخستین کسی که بعد از علی ﷺ به خدا ایمان آورد و به سوی قبله نماز خواند.^۳

۱- همان.

۲- کشف الغمّه فی معرفة الانمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳- ترجمه متن تاریخ ابن خلدون، عبدالحمید آیتی، ج ۳، ص ۴؛ ترجمه تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱، ص ۴۸۰۷.





۶- برتری حضرت خدیجه (علیها السلام) از دیدگاه حضرت آدم (علیه السلام)

منظومه ی وجودی شخصیت های بزرگ، زمان و مکان رانمی شناسد. عظمت و بزرگی شخصیت آن ها همه ی مرزهای زمان و مکان را درمی نوردد. یکی از آن ها حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) می باشد که قبل از ولادتش از زبان حضرت آدم صلی الله (علیه السلام) مورد تمجید قرار گرفته و اینگونه توصیف می شود: «إني لسيد البشر يوم القيامة إلا رجل من ذرיתי نبي من الأنبياء يقال له محمد فضل علي باثنتين زوجته عاونه و كانت له عوناً و كانت زوجتي علي عوناً^۱؛ من در قیامت، بزرگ و سرور همه افراد بشر هستم، جز مردی از فرزندان من، که پیامبری به نام حضرت محمد می باشد. او بر من از دو جهت برتری دارد: ۱- همسر او یار و یاورش می باشد.

۲- همسر او کمک کار و خدمتگزار اوست. ولی همسر من بر ضرر و زیان من اقدام کرد.»

۷- خاندان حضرت خدیجه (ع.ا.س):

حضرت خدیجه کبری (ع.ا.س) بنابر نقل علامه مجلسی و سید محسن امین و بعضی دیگر از محدثین ۱۵ سال قبل ازعام الفیل در خانواده ای ثروتمند که به اخلاق نیکو و حسن معاشرت معروف بودند دیده به جهان گشود.

خاندان حضرت خدیجه (ع.ا.س) از انساب قریش و در جزیره العرب دارای جایگاه و موقعیت خاص اجتماعی بودند. پدرش "خوئیلد" فرزند اسد فرزند عبدالعزی که عبدالعزی با عبد مناف جد سوم پیامبر خدا (ص.ا.ع) برادر می باشد و هر دو فرزند قصی فرزند کلاب می باشند. بنابراین حضرت خدیجه (ع.ا.س) با رسول خدا در جد چهارم یعنی قصی بن کلاب پیوند می خورند. پدرش "خوئیلد" مردی شجاع، با غیرت و دارای فضایل اخلاقی و در میان قریش دارای نفوذ کلمه بود.

وقتی "تُبّع" بزرگ یمن برای حج آمده بود، هنگام رفتن قصد کرد "حجر الاسود" را با خود به یمن ببرد. قریشیان دیدند اگر این کار صورت گیرد آبرو و حیثیت آنها خواهد رفت. همه آمدند منزل خوئیلد بن اسد پدر حضرت خدیجه (ع.ا.س) و داستان را نقل کردند. خوئیلد شمشیر را برداشت و دیگر افراد با او همراه شدند و در کنار کعبه اجتماع کردند. "تُبّع" وقتی خبر را شنید از قصد خود منصرف شد. بدین وسیله خوئیلد در دوره جاهلیت از حریم کعبه و عظمت آن دفاع کرد^۱.

نام مادرش «فاطمه» است و نام مادر بزرگش "هاله" دختر عبد مناف می باشد. بنابراین ۲۵ پدر و مادر حضرت خدیجه (ع.ا.س) هر دو از خانواده های با شرافت و بانجابت قریش می باشند و دارای علوم مقام و احترام در میان قوم خود بودند.



۸- اشتراک نسب خدیجه (علیها السلام) با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

حضرت خدیجه (علیها السلام) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هر دو از طایفه ی مشهور و معروف « قریش » می باشند. حضرت خدیجه (علیها السلام) از جهت پدر در نیای چهارم « قصی بن کلاب » با اجداد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به هم می رسند .

« خدیجه (علیها السلام) دختر خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب ...^۱ » و از جهت مادر با جد هشتم پیامبر (صلی الله علیه و آله) "لؤی" هم نسب می گردند . که در نهایت ، اجداد هر دو به حضرت اسماعیل (علیه السلام) و ابراهیم خلیل (علیه السلام) منتهی می گردد.^۲ اجداد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تاجدهشتم عبارتند از: «عبدالمطلب (شیهه) بن هاشم بن عمرو بن عبد مناف (المغیره) بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لؤی بن غالب ...^۳»



۱- الطبقات الکبری ، ابن سعد، ج ۸ ص ۱۱.

۲- همان.

۳- السیره النبویه ، ابن هشام، ج ۱ ص ۱۸۷.

لقاب حضرت خدیجه (علیها السلام)

۹- طاهره

طاهره یعنی پاکیزه از هر آلودگی و زشتی .

این لقبی بود که در دوره ی جاهلیت به جهت شدت عفت و پاکدامنی به ام المؤمنین خدیجه کبری (علیها السلام) داده شده بود^۱. لقبی که شایستگی آن را داشت و مردم از روی شناختی که از خصوصیات ظاهری و باطنی او داشتند او را سزاوار این لقب می دانستند . وی در بهار جوانی و نشاط عمر در محیط عزت و رفاه و بزرگی که زمینه ی هرگونه لغزش فراهم است با راهنمایی پسرعمویش ”ورقه بن نوفل“ به زندگی معنوی و غور و مطالعه در زندگی پیامبران و اولیاء الهی روی آورد و به کار تجارت پرداخت و خود از بزرگترین تجار جزیره العرب گردید ولی هیچگاه تجارت را وسیله ی ارتباط با مردان قرار نداد و با هیچ تاجر و بازرگانی تماس نداشت غلامان او به نیابت از وی به روابط تجاری می پرداختند . با داشتن امکانات رفاهی از همه ی آلودگی هایی که نوع زنان آن روزگار در آن غوطه ور بودند به دور بود . و از هوسرانی ها و کامیابی ها و شب نشینی ها به شدت پرهیز می کرد . و هیچگاه با زنان خودکامه و هوسباز به بازیگری نپرداخت .

معروف است که خانواده های ساکن مکه در دوران جاهلیت آن روز جزیره العرب شب نشینی هایی داشتند که به آوازه خوانی و کامیابی و رقص و پایکوبی می پرداختند ولی حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) با این که در کنار آنها زندگی می کرد و چه بسا نسبت فامیلی با آنها داشت ولی تحت تأثیر آنها قرار نمی گرفت و در مجالس خوشگذرانی های آنها شرکت نمی کرد و با عفت و پاکدامنی از آنها دوری می کرد. هرگاه برای طواف کعبه می رفت همراه او می رفتند و گردا گرد او می گرفتند و همه در سخن گفتن مواظب بودند که حرف دور از ادب از دهان آنها خارج نشود^۲.

۱- شرح المواهب، زرقانی، ج ۱ ص ۱۹۹.

۲- انوار درخشان ام المؤمنین خدیجه کبری، عباس حاجیان دشتی، ص ۲۶ و ۲۷.



۱۰- سیده زنان قریش

یعنی سرور و بزرگ زنان قریش این لقبی بود که ویژه ی حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) بود. «وكانت تسمى سيدة نساء قریش^۱» لقبی بسیار بزرگ که به هرکسی داده نمی شود. صاحب آن باید دارای خصلتها و ویژگی های عالی و پسندیده و مراتب کمال و ترقی باشد. بدست آوردن این لقب کارساده ای نیست. مردم مکه مراتب عالی اخلاق و منش پسندیده ی ظاهری و باطنی حضرت را می دانستند و او را به خوبی می شناختند. شخصیت والا و اخلاق بزرگ و کریمانه، زیرکی و فطانت، بصیرت و آگاهی او مانع از آن می شد که در جلسات لهو و لعب زنان مکه وارد شود. باین که او یکی از تجار و ثروتمندان زمانش بود اما هیچگاه در مقابل مال دنیا خود را نباخت و در برابر مال دنیا کرنش نکرد. همواره در معنویات غور میکرد و از پیامبران و آخرین رسول، سخن بر لب داشت که آیا او و زمانش را درک می کند یا نه!^۲ این ویژگی ها بود که به اقرار مورخین با بودن دیگر زنان با شخصیت و صاحب فکر و اندیشه و صاحب نام قریش که شمار آنها هم کم نبود، او را «سیده زنان قریش» کرده بود و وی را یگانه سیده زنان قریش می دانستند.

ابن کثیر می نویسد: «...كانت أوسط نساء قریش نسباً و اعظمهنّ شرفاً و اکثرهنّ مالاً...^۳؛ حضرت خدیجه (علیها السلام) در نسب و قبیله اشرف از همه، در شرافت و بزرگواری از همه بزرگتر، و در مال و ثروت از همه ثروتمندتر بود.»



۱- شرح المواهب، زرقانی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲- انوار درخشان خدیجه کبری، عباس حاجیان دشتی، ص ۲۸.

۳- البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۲، ص ۲۹۴.

۱۱- پناه نیازمندان

دستگیری و کمک به مستمندان یکی از سفارشات و دستورات دین مبین اسلام و معصومین (علیهم السلام) است و توان برآوردن نیاز نیازمندان و حوائج حاجتمندان یکی از نعمت های الهی است که خداوند به بندگان عطا می کند. بنابراین بنده باید بجای منت گذاری و اظهار خستگی کردن باید شاکر درگاه الهی باشد که خداوند توفیق برآوردن نیازهای بندگان را به او داده است. اگر غیر از این باشد خداوند این نعمت را از او می گیرد و به دیگری می دهد. آقا ابی عبدالله الحسین می فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَنْحَوِلَ إِلَى غَيْرِكُمْ؛ بدانید (برآوردن) نیازمندی های مردم به سوی شما از نعمت های پروردگار است بر شماست، پس خسته و ملول نشوید. که خداوند این نعمت را از شما گرفته به دیگری می دهد.»

ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) با داشتن مال و ثروت و موقعیت تجارت در میان مردم مکه هیچ گاه به فردی که فریفته ی مال دنیا باشد و به مال و ثروتش فخر و خودنمایی کند شناخته نشد. بلکه همه او را به خصلت های معنوی و درایت و دوراندیشی و پاکدامنی و شرافت و مدیریت و مهربانی می شناختند. و در میان خاندانش به فضل و کرم و احسان وجود و بخشش و مهمان نوازی و یاری مستمندان شهرت داشت. منزلش پناهگاه زنان نیازمند و مستمند و افراد بی سرپرست بود. و از ثروت و نیکی و خیر به همه کمک می کرد.

۲۹

تاحدی که مورد حسد و غبطه ی اهل مکه بود.^۱ و با همه مهربانی و اخلاق و منش کریمانه رفتار می نمود و او را «ام المساکین» (مادر نیازمندان) و «أم الصعاليك»^۲ (مادر بینوایان) و «أم الایتام» (مادر یتیمان) می نامیدند. حضرت خدیجه (علیها السلام) هم نیاز های مادی آنها



۱- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، ص ۲۹۸.

۲- انوار درخشان خدیجه کبری، عباس حاجیان دشتی، ص ۲۹.

۳- سرور زنان جهان أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری، اکرم السدات هاشمی نژاد، ص ۲۸، به نقل از حامية الرسول، ص ۵۶۶.

را برآورده می کرد و هم روح آزرده ی آنها را با روحیه ی بشر دوستی و تکریم، التیام و سلامت می بخشید.



۱۲- ام المؤمنین

تشریف به این لقب « ام المؤمنین » مادر مردان و زنان باایمان بعد از بعثت پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ازدواج با آن حضرت بود. این لقبی است که خداوند به همسران پیامبر داده است «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها [مؤمنان] محسوب می شوند.»

حضرت خدیجه کبری علیها السلام اولین زنی است که به این شرافت مفتخر می گردد. و با این لقب شخصیت با عظمتش در تاریخ بیشتر می درخشد. آری او « ام المؤمنین » است. چرا که او مانند مادری دلسوز تمام هستیش را به پای اسلام و مسلمین نثار کرد. زمانی که قریش با هم پیمان بستند که با پیامبر و بنی هاشم و مسلمانان تحت نفوذ پیامبر، قطع رابطه کنند و آنها را در محاصره و تحریم اقتصادی قرار دادند و حتی ورود طعام و آب را بر آنها منع کردند^۱. حضرت خدیجه علیها السلام آنچه در توان داشت بکاربرد تا بار سنگین محاصره اقتصادی را بردوش پیامبر کم کند. لذا پنهانی به خویشاوندانش مانند برادر زاده اش «حکیم بن حزام» و مخلصانی که دایره تحریم آنها را فرا نگرفته بود پیغام می داد آنچه در توان دارند بکارگیرند تا قدری طعام و غذا برای یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله بفرستند و آنها اجابت کرده و یاری اش می کردند و شبانه به دور از چشم کفار کینه توز قریش آذوقه را بر شتری بار کرده به طرف شعب روانه می کردند^۲. به پاس این خدمات و نثار تمام اموالش در راه اسلام خداوند مقامش را ارج نهاد و او را بهترین «امهات مؤمنین» قرار داد.



۱- /حزاب، آیه ۶.

۲- /انساب/الاشراف، بلاذری، ج ۱ ص ۲۳۴.

۳- فروغ/ابدیت، جعفر سبحانی، ج ۱ ص ۳۵۴.

۱۳ - سیده نساء العالمین

سرور زنان جهان که شاید بهترین لقب و والاترین و با عظمت ترین و اشرف القاب این باشد که ”طاهره“ و ”سیده نساء قریش“ و ”ام المؤمنین“ را به ”سیده نساء العالمین“ لقب بدهند که هیچ بانویی از زنان امت محمد ﷺ به این عنوان ملقب نشده است. نه از زنان رسول خدا ﷺ و نه از زنان دیگر، جز فاطمه ی زهرا (علیها السلام) دختر حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) و پیش از او نیز هیچ زنی به این عنوان ملقب نشد. جز دوزن با شخصیت و بزرگ که خدا آن دوزن را برگزیده است، مریم دختر عمران مادر پیامبر خدا حضرت عیسی (علیه السلام) و آسیه دختر مزاحم همسرفرعون.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین زنان جهان چهار زن هستند: مریم دختر عمران، خدیجه (علیها السلام) دختر خویلد، فاطمه (علیها السلام) دختر محمد ﷺ و آسیه دختر مزاحم زن فرعون و افضل همه ی آنها از لحاظ آفرینش فاطمه (علیها السلام) است^۱.

آری این است مقام کسی که تمام اموال و دارایی و حتی هستی خود را فدای پیامبر خدا ﷺ و اهداف عالی او نمود. زمانی که همه او را از خود طرد می کردند و تنها گذاشتند، و تا واپسین لحظات عمرش از رسول خدا ﷺ و دین مبین اسلام و مسلمانان دفاع نمود.



۱۴- برترین بانوی امت

مقام شامخ ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) چنان والاست که غیر از دختر گرامیشان حضرت فاطمه ی زهرا (علیها السلام) هیچ کدام از زنان امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی توان با او قیاس کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «لقد فضّلت خدیجه (علیها السلام) علی نساء امتی^۱؛ حضرت خدیجه (علیها السلام) بر زنان امت من برتری یافته است.»

ابن حجر عسقلانی، بعد از نقل این حدیث می نویسد: «با این حدیث به برتری حضرت خدیجه (علیها السلام) بر عایشه استدلال شده است.^۲»

طبری در تفسیرش نقل می کند: «که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: حضرت خدیجه (علیها السلام) بر همه ی زنان امت من تفضیل داده شد همان گونه که مریم بر زنان جهانیان تفضیل داده شد.^۳» ابن کثیر گفته: «بعضی از اهل سنت گزافه گویی می کنند... وعایشه را از این جهت که دختر "ابوبکر" است بر حضرت خدیجه (علیها السلام) تفضیل می دهند.^۴»



۱- فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۱۳۸.

۲- همان.

۳- جامع البیان، طبری، ج ۳، ص ۱۸۰.

۴- البدایه والنهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۳، ص ۱۲۹.

۱۵- سرچشمه برکت و خیر فراوان

یکی از القاب پرازنده ی حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) که به حق بیانگر وجود بابرکت این بانوی بزرگ اسلام است ”مبارکه“ است. در ”اقرّب الموارد“ برکت را ”زیادی و فراوانی همراه با سعادت“^۱ و در ”قاموس القرآن“ به معنای ”نمو، زیادت و سعادت“^۲ و در ”مفردات الفاظ القرآن“ به معنی ”سرچشمه و جایی که خیر و رحمت الهی به گونه ای از آنجا می جوشد که نمی توان از آن جلوگیری کرد و نمی توان شمارش و اندازه گیری کرد.“^۳ بنابراین ”مبارکه“ به معنی خیر فراوان و دائم، همراه با سعادت. به راستی این لقب زبینه ی این بانوی باکرامت و با برکت است که تمامی عمرش منشاء خیرات و برکات بود. چرا که و خودش حامی و پشتیبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اموالش باعث رونق اسلام و نسلش فرزندان رسول الله (صلی الله علیه و آله) است.

بیهقی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که: من باخیر و برکت ترا خدیجه (علیها السلام) ندیده ام هیچ گاه من و صاحبم (ظاهرآمراد علی (علیه السلام) است) به خانه برنگشتیم مگر این که برای ما غذایی تهیه دیده بود.^۴

علامه مجلسی (ره) از ”منکدر“ نقل می کند: وقتی که سید و عاقب اسقف های نجران با هفتاد نفر برای آمدن نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) به راه افتادند من همراه آنها بودم. ”کرز“ که اختیاردار دارایی و هزینه ی آنها بود به راه خود ادامه می داد، ناگهان مرکب سواریش لغزید. ”کرز“ به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جسارت کرد، عاقب گفت: نابودی و واژگونی نصیب تو باد! گفت: برای چه؟ گفت: تو پیامبرائی که نامش ”احمد“ است را نفرین می کنی! کرز گفت: از کجایم گویی که او همان پیامبر اُمّی است؟ گفت: مگر در مصباح چهارم

۱- اقرّب الوارد، سعید بن عبدالله شرتونی، ماده برکه.

۲- قاموس القرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۱، ص ۱۸۹.

۳- مفردات الفاظ القرآن، راغب، ص ۱۱۹.

۴- دلائل النبوه، بیهقی، ج ۱، ص ۹۰.



از چیزهایی که به مسیح وحی شده نخوانده ای که : ... بنی اسرائیل رابه آمدن او مژده بده
و به آنها فرمان بده که او را محترم بدارند و یارایش نمایند.

حضرت عیسی (علیه السلام) عرضه داشت : پروردگارا ! تو منزه ای ! این بنده ی شایسته کیست ؟
که محبت او در دل من جای گرفت در عین حالی که او را ندیده ام ؟ خطاب آمد : او از توست
و توازا هستی . او شوهر مادر توست (در آخرت) . فرزند کم وزن فراوان دارد . درمکه محل
ابراهیم (علیه السلام) سکنی می کند . نسل او از ”مبارکه“ است که همدم مادر توست ”نسله من
مبارکه و هی ضرة امک فی الجنة له شأن من شأن...“^۱.



۱۶- بصیرت، ذکاوت و تیزهوشی حضرت خدیجه (علیها السلام)

ذکاوت و دور اندیشی یکی از موهبت های الهی است که هر کسی از آن بهره مند نیست. زمینه هایی مادی و معنوی لازم دارد که باید از جانب خود فرد پدیدرود مادرش فراهم گردد تا خدا به او عنایت کند. خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی به این موضوع اشاره کرده است: در سوره طلاق می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند.» و باز می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ^۲ از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می دهد.»

تقوای انسان علم، آگاهی، بصیرت و دوراندیشی و راه برون رفت از مشکلات و پیشرفت در کارها و مسیر صحیح در جاده پرییج و خم زندگی به فرد پرهیزکاری می دهد.

حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) که در عصر تاریک جاهلیت، مشهور و معروف به پاکدامنی و ملقب به ”طاهره“ و مایه خیر و برکت برای مستمندان بود خداوند نیز به او دوراندیشی و علم و آگاهی خاصی عنایت کرد که با وجود خواستگاران ثروتمند و صاحب نام و دارای موقعیتهای اجتماعی، دست رد بر سینه ی همه آنها زد و خود را هم سفر و یار و غمخوار پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) کرد و دانست که مال و ثروت و عمرش را در راه چه هدفی صرف کند.

محدث اربلی در این باره می گوید:

«وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ أُمْرَأَةً حَازِمَةً لَبِيبَةً شَرِيفَةً...^۳؛ حضرت ام المؤمنین خدیجه (علیها السلام) زنی تیز بین، اندیشمند و با شرافت بود. او در عصر خود از لحاظ نسب قریشی و با اهمیت و دارای شرافتی والا بود. از نظر دارایی از همه دارا تر بود و کسی از اقوامش به او نمی رسید.»



۱- طلاق، آیه ۲.

۲- بقره، آیه ۲۸۲.

۳- کشف الغمّه فی معرفه الانمه، علی بن عیسی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۱۷- ازدواج بابرکت

هنگامی که خبرخواستگاری حضرت محمد امین علیه السلام از حضرت ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام به گوش رسید برای دوستان خانان بنی عبدالمطلب باعث شادمانی شد. وقتی شنیدند بناست خدیجه کبری علیها السلام به همسری محمد امین علیه السلام در آید همه غبطه او را می خوردند. شگفتا این شوهر کریم وبا شخصیت که چشمها به او دوخته و دلهای دختران قریش در محبت وی می تپد، در سرزمین مکه جوانی مثل او پیدا نمی شد، جوانی از نظر جسم و اندام و طراوت بی مانند، از نظر قلب و دل باصفا و از نظر خرد و اندیشه بر همگی برتری داشت. این مطلب در خطبه ی عقدی که عمویش ابوطالب هنگام عقد خواند متبلور است :

حمد مخصوص خداوند است که ما را از نسل ابراهیم و دودمان اسماعیل قرار داد و برای ما خانه ای قرارداد که زیارتگاه است و حرمی که محل امن است و از درآمدها هر چیزی به آن کشیده می شود، و در شهری که ما در آن ساکن هستیم ما را حاکمان بر مردم قرارداد و برکاتش را بر ما ارزانی فرمود. پس بدانید که این پسر برادرم یعنی محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام مردی است که درسنجش باهر مردی از قریش بر آن قرشی برتری دارد و با هیچ کس از آنان قیاس نمی شود مگر آن که از او بزرگتر و والاتر است ، هر چند از لحاظ مال تنگدست است ولی مال چیزی است که خدا به حسب مصالح میان بندگان تقسیم نموده است و نابود خواهد شد، و برای فرزند برادرم مقامی بزرگ و جایگاهی والا و زبانی گویا و رساست ^۱. پس از خواندن خطبه، حضرت خدیجه کبری علیها السلام را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآورد. یک روز بعد زفاف واقع شد. درحالی که از عمر پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۵ سال می گذشت ^۲ و از عمر حضرت خدیجه علیها السلام درحالی که دوشیزه ای ^۳ بود ۲۸ سال ^۴ می گذشت.

۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳ ص ۲۵۱.

۲- مصباح المنهج، شیخ طوسی، ص ۵۵۰.

۳- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱ ص ۱۵۹.

۴- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۶ ص ۱۰.





۱۸- سبب تزویج رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با خدیجه کبری (علیها السلام)

فقیه قطب الدین راوندی از جابر روایت کرده است که سبب تزویج حضرت خدیجه (علیها السلام) با محمد (صلی الله علیه و آله) حضرت ابیطالب (علیه السلام) بود که به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه و آله) من می خواهم وسایل ازدواج تو را فراهم نمایم ولی ثروتی ندارم که بآن به تو کمک کنم و خدیجه از خویشان ماست و هر سال جمعی از قریش برای تجارت با مال او همراه غلامانش به مسافرت می روند و برای او تجارت می کنند و اندازه ای از درآمد تجارت را برای خود برمی دارند تو مایلی به این کار پردازی؟ فرمود: آری! پس حضرت ابوطالب (علیه السلام) نزد حضرت خدیجه (علیها السلام) رفت و جریان را به او گفت. خوشحال شد و به غلامش میسره گفت: تو و همه ی این اموال در اختیار وی هستید. وقتی که میسره از سفر برگشت خبر داد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر هیچ درخت و سنگ و کلوخی نگذشت مگر این که گفتند: السلام علیک یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) و گفت: بحیراراهب معروف آمدو از ما پذیرایی و خدمت کرد و به این جهت که دید ابر بر سر آن حضرت سایه افکنده و در روز هر جاکه آن حضرت می رفت آن ابر بالای سرش بود. و حضرت در آن سفر سود فراوانی برده، و وقتی پیامبر می رسید، میسره به حضرت عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه و آله) اگر شما جلوتر تشریف ببری و به خدیجه (علیها السلام) مژده دهی که ما سود زیادی کرده ایم بیشتر به نفع تو خواهد بود... وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید، خدیجه عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه و آله) تشریف ببر و همین ساعت عموی ابوطالب (علیه السلام) را نزد من بیاور! و به عمویش پیغام داد که وقتی محمد (صلی الله علیه و آله) نزد تو آمد مرا به ازدواج او درآور! وقتی که حضرت ابوطالب (علیه السلام) تشریف آورد ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) به او گفت: با محمد (صلی الله علیه و آله) نزد عمویم بروید تا مرا به ازدواج محمد (صلی الله علیه و آله) در آورد! من به او سفارش کرده ام. پس نزد عموی حضرت خدیجه (علیها السلام) رفتند و حضرت ابوطالب (علیه السلام) آن خطبه معروف را خواند و عقد نکاح و ازدواج خوانده شد. وقتی که

محمد ﷺ برخاست که با ابوطالب (علیه السلام) تشریف ببرد حضرت خدیجه گفت: اگر می
خواهی به خانه ات بروی، خانه خانه ی توست و من نیز کنیز تو هستم^۱



۱۹- سبب تمایل حضرت خدیجه (علیها السلام) به این ازدواج

حضرت ام المؤمنین خدیجه کبری (علیها السلام) بانویی دوراندیش، باشرافت و خردمند بود، اضافه بر عنایتی که خدای تعالی به او داشت از این جهت وقتی که میسره جریان معجزات حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را به او گزارش داد به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیغام داد. پس به او گفت: حسب آنچه مردم به آن باور دارند "ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی که بامن داری و به خاطر شرافت و احترام و بزرگواری در میان خویشان و امانتداری در میان مردم و اخلاق نیک و راستگویی به ازدواج با تو تمایل دارم. پس خودش را در معرض ازدواج با حضرت درآورد. حضرت ام المؤمنین (علیها السلام) در آن روزگار از نظر نسب و نیاکان محترم ترین قریش بود و همه ی خویشان میل ازدواج با او را داشتند. و این نشان از بصیرت بالا و عقل عملی و دوراندیشی حضرت خدیجه (علیها السلام) است. که زرق و برق دنیا و موقعیت های اجتماعی پوشالی و واهی آن روز او را مجذوب خود نکرد و عاشق معنویات و کرامت های انسانی آن حضرت شد. عشق و محبت حضرت خدیجه (علیها السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک محبت الهی و حقیقی بود نه عشق های مجازی و این معنی از اشعاری که از حضرت خدیجه (علیها السلام) درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) سروده است به خوبی استفاده می گردد.

فلو أننی أمسیت فی کل نعمة ودامت لی الدنیا و ملک الأكاسرة

فما سویت عندی جناح بعوضة إذالم یکن عینی لعینک ناظرة^۲

اگر همه نعمتهای روی زمین به من برسد و دنیا و پادشاهی پادشاهان به من روی آورد، به اندازه ی بال پشه ای برایم ارزش ندارد اگر چشمم به نور جمال تو منور نباشد.



۲۰- برترین معیار در انتخاب همسر

ازدواج در اسلام سنت الهی و سیره ی پیامبران و معصومین (علیهم السلام) و یک امر عبادی محسوب می گردد. خدای متعال این پیوند مبارک را از آیات الهی و وسیله ی آرامش روحی و روانی افرادی داند^۱. ازدواج وسیله آرامش و امنیت فرد و جامعه ، تولید نسل ، سلامت روحی و روانی ، تامین نیازهای جنسی و کمال روحی انسان ها می باشد. و یکی از آرزوهای هر جوانی است که روزی برای او شرائط فراهم گردد و به این امر مهم اقدام نماید و بخشی از کمبود های خود را جبران کند. اما مهمترین دغدغه ی هر پسر و دختر جوان برای قدم گذاشتن در این مسیر شناخت معیارهای یک همسر خوب است . حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) به عنوان الگویی برای دختران و پسران جوان هنگام ازدواج با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) معیار خود را اینگونه بیان می کند: «ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی که با من داری و به خاطر شرافت و احترام و بزرگواری در میان خویشانت و امانتداری در میان مردم و اخلاق نیک و راستگویی به ازدواج با تو تمایل دارم»^۲. ارزش این انتخاب آنگاه نمایان می شود که حضرت خدیجه (علیها السلام) در آن زمان از نظر نسب و نیاکان و از نظر شرافت و بزرگی و از نظر مال و ثروت از بالاترین موقعیت برخوردار بود و زمینه و بستر ازدواج با هر یک از جوانان نامدار قریش برای وی فراهم بود.



۱- روم، آیه ۲۱.

۲- دلائل النبوة، بیهقی ج ۲ ص ۶۷؛ كشف الغممة فی معرفة الأئمة ۸، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲۱- ازدواج از "منیت" رستن و به "ما" پیوستن است

ازدواج این امر مقدس الهی مرحله ای از تکامل روحی و رفع نیاز طبیعی همه ی موجودات به ویژه بشری باشد، چرا که انسان موجودی اجتماعی آفریده شده است. اولین قدم در امر ازدواج عبور از "منیت" و "خودخواهی" می باشد. تا از خود نگذرد نمی تواند دیگران را دوست داشته باشد. بنابراین آنچه که بوی "خودیت" و "منیت" از آن می آید می تواند به اساس و پایه ی خانواده آسیب وارد کند. برخی از زوج ها حتی بعد از عقد ازدواج نمی توانند از "منیت" خود دست بردارند و آنچه پیرامون خود می بینند و نوعی تعلق خاطر به آنها دارند به خودنسبت می دهند: خانه ی من، حقوق من، فرش من، ظرف من و... این گونه اندیشیدن مایه ی تحقیر و دلسردی هر کدام از زوجین شده و پایه ی خانواده را سست وزن و شوهر را از هم دور می گرداند و موجب فروپاشی خانواده می شود. ولی ببینید حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) با داشتن همه ی کمالات وجودی و موقعیت اجتماعی بعد از عقد ازدواج با کمال فروتنی و تواضع خطاب به همسر خود عرضه داشت: «به خانه خودت خوش آمدی! خانه، خانه ی توست، من نیز کنیز تو هستم!»^۱ این نشانگر عظمت وجودی و اندیشه ی بلند آن حضرت است که مال و ثروت دنیا برای او ارزشی ندارد و برای تحکیم بنیان خانواده و تعظیم و تکریم مقام شوهر، خود را صاحب مال نمی داند.



۲۲- شرح صدر حضرت خدیجه علیها السلام

شرح صدر به تعبیر عرفا، عبارت است از استعداد دریافت معارف و حقایق. وقتی این استعداد در کسی پدید می آید، انوار معرفت الهی در دل او می تابد، لذا گفته اند: شرح صدر آن است که در سه مرحله، سه نوع نور، نصیب انسان می شود: نور عقل در آغاز راه، نور علم در وسط مسیر سلوک و نور عرفان در پایان مسیر. در نتیجه در پرتوی این انوار، انسان به درک و شهود بسیاری از حقایق دست می یابد.^۱ به همین جهت انسان هادیرپذیرش حق و درک مطالب و حقائق عالم یکسان نیستند.

قرآن کریم انسان ها را به دودسته تقسیم می کند: گروهی را صاحب ”شرح صدر و گستردگی روح“ و گروه دیگر دارای ”تنگی و ضیق صدر“ می داند. در سوره ی انعام می فرماید: « آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد؛ و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود.^۲»

پس شرح صدر با نوری الهی تحقق می یابد و این گشایش سینه یک گشایش معنوی است. این صدر همان فضای روحانی و معنوی نفس انسانی است نه فضای مادی سینه انسان که فیزیکی و جسمی است و به طور طبیعی محدودیت دارد. پس باید زمینه ی تابش نور الهی که: کسب علم و معرفت و انجام عبادت پرداخت، و از گناه و همنشینی با اهل معصیت، به ویژه خوردن و نوشیدن چیزهای حرام که باعث قساوت قلب می شوند

۴۳

دوری کرد. تا وجود، ظرف تابش نور الهی گردد و موجب هدایت و رستگاری ما گردد. خدای متعال می فرماید: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ؟^۳ آیا



۱- غررنگ اصطلاحات عرفانی، سید جعفر سجادی، ص ۵۰۳

۲- انعام، آیه ۱۲۵.

۳- زمر، آیه ۲۲.



کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!)) سپس با تعبیری زیبا می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ وای بر آنان که قلبهائی سخت در برابر ذکر خدا دارند!». یعنی این قلبه‌ای سخت و قساوت گرفته هیچ تذکر و موعظه‌ای در آنها اثر ندارد. وگرنه باران رحمت الهی بر همه یکسان می‌بارد.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس

شرح صدر حضرت خدیجه کبری (علیها السلام)

حضرت خدیجه (علیها السلام) از چنان شرح صدر و روحی گشاده و بینشی بلند برخوردار بود که از نخستین کسانی است که اسلام را پذیرفت^۲ و به نبوت پیامبر اسلام ایمان آورد^۳ و به ولایت و امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اعتراف کرد^۴ و با تمام وجودش تسلیم حق شد و تا آخرین نفس از راه حق و دین اسلام دفاع کرد. این نشان از شرح صدر و روح گشاده و بلند ایشان می‌باشد.

۱- همان.

۲- تاریخ یعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳ البدایه والنهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۳، ص ۲۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۳، ص ۲۳۲.

۳- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۱۲؛ منابع الموده، قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۳۸۱.

۴- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲۳- درسی بزرگ

یکی از موضوعات مهم که جامعه امروز ما گذشته و شاید آینده نیز با آن روبرو باشد این است که گاهی جوانانی وارسته، پاکدامن و با اخلاق برای خواستگاری می آیند ولی ازمال دنیا دست شان خالی است. و بخاطر نداشتن ثروت و مال وامکانات مادی، دست رد به سینه ی آنها زده می شود. چقدر زبینه است خانواده هایی که تمکن مالی دارند دختران خود را به عقد این افراد در آورده و این جوانها را زیر چتر خویش گرفته وامکانات کار و زندگی را برای آنها فراهم کنند.

رسول خدا ﷺ وقتی به خواستگاری حضرت خدیجه (علیها السلام) رفت ازمال دنیا چیزی نداشت. اما حضرت خدیجه (علیها السلام) نگاه به مال و ثروت او نکرد و وقتی دید جوانی خوش نام، برازنده و نیکو اخلاق و امانت دار است. برای ازدواج با او اعلام آمادگی کرد و عرضه داشت: «تمام مهرم نیز از اموال خودم پرداخت می کنم»^۱. شاید گفته شود اگر شوهر و یا داماد ماهم پیامبر بود چنین می کردیم. ولی باید گفت: زمانی که پیامبر ﷺ به خواستگاری حضرت خدیجه (علیها السلام) آمد یک فرد عادی و معمولی بود مانند سایر جوان های جزیره العرب فقط امتیاز او پرهیزگاری، امانتداری و حسن اخلاق و ادب و وارستگی او بود.



۲۴- حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دنیا و آخرت

یکی از الطاف الهی این است که: حیات اخروی زوج های با ایمان و پرهیزگار که از نظر روحی و روانی باهم مانوس و از نظر رفتارهای عملی با هم همراه و هماهنگ بوده اند در آخرت نیز در کنار هم قرار می دهد. حضرت خدیجه (علیها السلام) یکی از همسران خوشبختی است که هم در دنیا و هم در آخرت همسر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد. «...وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ حُوَيْلِدٍ زَوْجَةِ النَّبِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ و خدیجه (علیها السلام) همسر پیامبر در دنیا و آخرت می باشد»، وقتی همسری خوب، با کمال و با ایمان و معرفت باشد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) هم به او عشق می ورزد و از خدامی خواهد که در آخرت نیز همنشین او باشد. «و كنت لها عاشقا، فسألت الله أن يجمع بيني و بينها»^۱؛ من بخاطر اخلاق نیکو و کمالات حضرت خدیجه (علیها السلام) به او عشق می ورزم. به همین جهت از خداوند خواستم که در آخرت نیز همنشین من باشد.



۱- کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۱، ص ۴۶۶.

۲- عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی، قسم ۱، ص ۳۹.

۲۵- بهشت مشتاق دیدار حضرت خدیجه (علیها السلام)

خداوند متعال در چند جای قرآن کریم^۱ در بیان تکریم مؤمنان و پرهیزگاران با تعبیر زیبایی می فرماید: در روز جزا ما بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک می آوریم که از آنها دور نباشد «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ^۲؛ (در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از آنان ندارد!»

توبندگی چو گدایان بشرط مزد ممکن که خواجه خودروش بنده پروری داند
این بشارت و هشدار به مؤمنان و همه ی کسانی است که طالب نعمات و الطاف الهی و عاقبت نیکو هستند که اگر راه تقوا و رستگاری را پیش بگیرند، نعمت های الهی خود به سوی آنها می آیند و بهشت برین و بهشتیان مشتاق دیدارشان خواهند شد. چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره حضرت خدیجه (علیها السلام) می فرماید: چهار تن از زنان هستند که بهشت مشتاق دیدار آنهاست. «... وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةِ النَّبِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ^۳؛ و خدیجه (علیها السلام) دختر خویلد همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دنیا و آخرت.»



۱- شعرا، آی ۹۰، ق؛ آی ۳۱؛ نکویر، آی ۱۳.

۲- ق، آی ۳۱.

۳- كشف الغمة فی معرفة الأمة علی بن عیسی اربلی، ج ۱، ص ۴۶۶.

۲۶- حضرت خدیجه (علیها السلام) برترین همسر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)

از میان همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت خدیجه (علیها السلام) به جهت داشتن امتیازات ویژه و حسن جمال و کمال اخلاقی و رفتارهای انسانی و توجه ویژه ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به وی برترین همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد. به همین جهت وی را « اشرف زوجات الرسول^۱ » می نامند.

ذهبی از دانشمندان و مورخین اهل سنت درباره ی حضرت خدیجه (علیها السلام) می نویسد: «حضرت خدیجه (علیها السلام) مادر مؤمنان و سرور زنان عالمیان زمان خود بود... و مناقبش بسیاری باشد. ایشان صاحب کمال، عاقل، جلیل القدر، خودنگهدار، کریم و اهل بهشت می باشد، که پیامبر او را ستایش نموده و بردیگزنانش برتری می داد و در تعظیمش مبالغه می کرد طوری که عایشه می گفت: من بر هیچ زنی همچون خدیجه (علیها السلام) رشک نبردم، به جهت آنکه پیامبر بسیار او را یاد می نمود. از جمله کراماتش این است که قبل از او با زنی دیگر ازدواج نکرده و تنها او برایش فرزند آورد و تا او زنده بود با کسی دیگر ازدواج نکرد و کنیز هم برای خود نگرفت، تا وقتی حضرت خدیجه (علیها السلام) از دنیا رفت و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با نبود حضرت خدیجه (علیها السلام) خودش را تنها دید و چه خوب همنشینی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود^۲»



۱- شجره ی طوبی، محمد مهدی حائری مازندرانی، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۸۱.

۲۷- سن حضرت خدیجه (علیها السلام) هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

یکی از موضوعاتی که در عرف جامعه معمولاً سؤال می شود سن زوجین است. سن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام ازدواج بنا بر قول مشهور بیست و پنج سال است. یعنی ۱۵ سال قبل از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله). گزاره های متعدد تاریخی این قول را تأیید می کند. ابن کثیر دمشقی می نویسد: «... زَوْجُ بِهَآوِهٍ ابْنِ خَمْسٍ وَعَشْرِينَ سَنَةً، قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَهُ اللَّهُ نَبِيًّا بِخَمْسِ عَشْرَةِ سَنَةٍ»؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) با حضرت خدیجه (علیها السلام) ازدواج کرد و بیست و پنج سال داشت و پانزده سال مانده بود تا به پیامبری مبعوث گردد. «و سن حضرت خدیجه (علیها السلام) از بیست و پنج سال گفته شده تا چهل و شش سال ولی آنچه از گزاره های روایی و تاریخی^۱ رسیده است اینکه ازدواج ۱۵ سال قبل از بعثت واقع شده^۲ و سن حضرت خدیجه (علیها السلام) هنگام فوت پنجاه سال^۳ بوده است و هنگام بعثت، حضرت خدیجه (علیها السلام) چهل سال داشته اند^۴ قول «بیست و هشت» سال که مورد تأیید بسیاری از دانشمندان و بزرگان شیعه و اهل سنت بوده، صحیح می باشد. ابن عساکر از دانشمندان اهل سنت می نویسد: «کانت خدیجه (علیها السلام) یوم تزوجها رسول الله (صلی الله علیه و آله) ابنة ثمان وعشرين سنة ومهرها ثانی عشرة أوقیه و کذا لک مهر نسائه؟» روزی که حضرت خدیجه (علیها السلام) با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج کرد، دختری بیست و هشت ساله و مهر آن حضرت دوازده اوقیه بود چنان که با مهریه ی دیگر زنان برابری می کرد. «این نشان می دهد که بالا بردن سن حضرت خدیجه (علیها السلام) دسیسه ی دشمنان اسلام، و حزب بنی امیه و پیروان آنها به منظور کاستن شخصیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و حضرت خدیجه (علیها السلام) می باشد.



۱- البدایه والنهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۲، ص ۲۹۵؛ السیره الحلبیه، الحلبي، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۶، ص ۱۲؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۱۰۸؛ مستدرک حاکم، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۲؛ اعیان الشیعه، سید محسب امین عاملی، ج ۶، ص ۳۰۸.

۳- البدایه والنهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۲، ص ۲۹۵؛ السیره الحلبیه، الحلبي، ج ۱، ص ۲۲۷.

۴- البدایه والنهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۲، ص ۳۵۹.

۵- همان.

۶- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۹۳.



۲۸- حضرت خدیجه (علیها السلام) به غیر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با کسی ازدواجی نداشته است
 عده ای بر این عقیده هستند که حضرت خدیجه (علیها السلام) قبل از ازدواج با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دو
 شوهر دیگر به نام های عتیق بن عائذ بن عبدالله مخزومی و یک اعرابی به نام ابو هاله
 تمیمی نیز دیده و از آنها دو فرزند داشته است. از گزاره های تاریخی استفاده می شود
 که این سخنان ساخته و پرداخته ی دشمنان اسلام می باشد. مابرای رد این سخن به
 چند مورد اشاره می کنیم: دانشمندان بزرگ شیعه، سید مرتضی علم الهدی در کتاب
 خود "الشافی" و شیخ طوسی در "تلخیص الشافی" تصریح کرده اند که: «حضرت
 خدیجه (علیها السلام) به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دوشیزه بود.^۱ و بلاذری از دانشمندان
 بزرگ اهل سنت در این باره می نویسد: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هنگام ازدواج با حضرت
 خدیجه (علیها السلام) جوانی بیست و سه ساله و حضرت خدیجه (علیها السلام) دوشیزه ای بیست و هشت
 ساله بود.^۲ و ابن شهر آشوب از دانشمندان نامدار شیعه می نویسد: «انّ النبی (صلی الله علیه و آله) قد تزوج
 خدیجه (علیها السلام) وهی عذراء؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با حضرت خدیجه (علیها السلام) ازدواج کرد در حالی که
 او دوشیزه بود.^۳ و در مورد دخترانی که منتسب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشند، علامه مجلسی
 می نویسد: «آنچه این نکته را مورد تأیید و تأکید قرار می دهد، این است که حضرت
 خدیجه (علیها السلام) به هنگام ازدواج با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، دوشیزه بود. و "رقیه" و "زینب" دختران
 وی نبودند، بلکه دختران خواهرش "هاله" بودند و تحت سرپرستی و تربیت و مراقبت
 او قرار داشتند؛ و این موضوع در دو کتاب "الأنوار" و "البدع" مورد تأکید قرار گرفته
 است.^۴ و بسیاری از نویسندگان و دانشمندان دیگر به این موضوع اشاره کرده اند.

۱- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۲، ص ۱۹۹؛ الصحيح من سيرة النبی / الاعظم سید جعفر مرتضی

۲- انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۹۸.

۳- بنات النبی / أم ربانیه، سید جعفر مرتضی، ص ۷۵/ ۱۲۴، به نقل از خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری، حسین تهرانی، ص ۷۰.

۴- البدع از تالیفات ابوالحسن بکری؛ والبدع، همان کتاب «الإستغاثة فی بدع الثلاثة» از تالیفات دانشمند شیعی ابوالقاسم کوفی (۳۵۲-۴۰۰ ق)، با استفاده از خصائص ام المؤمنین، ص ۶۸.

۵- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۲، ص ۱۹۱

محمد دُخَیل از دانشمندان معاصر می نویسد: «زینب و رقیه، خلاف پندار برخی از تاریخ نگاران و آورندگان حدیث، دختران پیامبر ﷺ و همسرش خدیجه (علیها السلام) نبودند، بلکه خواهر زاده های حضرت خدیجه (علیها السلام) و فرزندان هاله بودند؛ اما بخاطر گمنامی هاله و شهرت جهانی حضرت خدیجه (علیها السلام) به ایشان نسبت داده شده اند.»^۱

ازدواج حضرت خدیجه (علیها السلام) به غیر رسول خدا ﷺ علاوه بر ضعف سند و نقل های تاریخی و آنچه که از حضرت خدیجه (علیها السلام) و ردّ خواستگاران بنام و مشهور زمان خود به ما رسیده است با عقیده ی شیعه بر عصمت معصومین (علیهم السلام) و اینکه آنها در اصلاّب و ارحام پاک و مطهر که دست ناپاکی به آنها نرسیده همخوانی ندارد. «أشهادُكَ كُنْتَ نَوْرًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا...»^۲؛ شهادت می دهم که شما نوری در صلب های مردان بلند مرتبه و در رحم های زنان پاک بودید که جاهلیت با ناپاکی هایش تو را آلوده نکرد.» زیرا عصمت علاوه بر پاکی و دوری از گناه، آلودگی به هرگونه ناپاکی را نیز شامل می شود.



۱- خدیجه (علیها السلام)، محمد دخیل، ص ۱۱.

۲- (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب آیه ۳۳)

۳- مفتاح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت اربعین امام حسین ۸

حضرت خدیجه (ع.ا.س) الگوی برتر شوهرداری

یکی از برنامه های تربیتی اسلام و ابعاد مهم سبک زندگی اسلامی که سهم بسزایی در نشاط و تحرک و تحکیم پایه خانواده و در نتیجه آرامش و امنیت جامعه و حرکت آن به سوی کمال و سعادت دارد، سبک شوهرداری برای خانم هاست. در ادامه به چندین نمونه از سبک شوهرداری حضرت خدیجه (ع.ا.س) اشاره خواهیم داشت؛ چراکه حضرت خدیجه (ع.ا.س) یکی از الگوهای برتر شوهرداری هستند.



۲۹- احترام به شخصیت شوهر

حضرت خدیجه (علیها السلام) با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه، در رفتار و مواجهه با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که آن روز به عنوان یتیم ابوطالب و فردی که از نظر مال و ثروت مادی دستش تهی بود، کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری داشته باشد، از خود بروز نمی دادند. جلوه ای عالی از این رفتار را می توان در پایان مراسم عقد و زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواستند به خانه عموی شان ابوطالب برگردند، مشاهده کرد. در آن لحظات حضرت خدیجه (علیها السلام) این گونه همسر خود را مخاطب قرار می دهد: «به خانه ی خود وارد شوید، خانه، خانه ی شماست و من نیز کنیز شما هستم.»^۱ بنابراین موقعیت مالی و اجتماعی زن هیچ گاه نباید سبب برتری جویی بر شوهر شود بلکه خانم ها باید موقعیت مالی و اجتماعی را در خدمت پیشرفت و رشد خانواده قرار دهند.



۳۰- تلاش برای جلب رضایت همسر

حضرت خدیجه علیها السلام تمام سعی و توان خود را به کار می برد، تا امور منزل را مطابق میل و خواسته ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اداره کند؛ به طور مثال، آن حضرت چون از میزان علاقه ی پیامبر صلی الله علیه و آله به عبادت آگاه و مطلع بود، چنان رفتار می کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله به راحتی به عبادت و راز و نیاز با خداوند مشغول باشند و حضور همسر را مانعی برای برنامه های عبادی و اجتماعی خود نداند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قبل از بعثت؛ در هر ماه، چند بار و نیز هر سال، ماه رمضان را در غار ”حرا“ به تفکر و عبادت خداوند می گذراند و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت. امام هادی علیه السلام می فرماید: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از سفر تجاری ”شام“ درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز صبح، بر فراز کوه ”حرا“ می رفت و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می کرد.» حضرت خدیجه علیها السلام با شناخت و آگاهی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی کرد و همواره با همدلی و همراهی و بارویی گشاده با بدرقه خود او را تشویق می کرد. غذایش را به وسیله ی امیر مؤمنان علی علیه السلام به بالای کوه می فرستاد و گاه خود نیز با آن حضرت همراه می شد.

علامه مجلسی در این باره می نویسد: «در آن ماه رمضان، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کوه ”حرا“ به سر می برد و وحی و بعثت آغاز می شد، حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان در حضورش بودند.» اگر زن مسلمان در تمام ابعاد زندگی بکوشد تا رضایت خاطر شوهر را فراهم آورد، کانون خانواده به محیطی امن و آرام برای رسیدن به سعادت و خوشبختی تبدیل خواهد شد.



۳۱- بیان غیر مستقیم خواسته ها

بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. حضرت خدیجه (علیها السلام) خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انجام داده بود و از این رو به صورت طبیعی می توانست توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما هیچ گاه خواسته های شخصی خود را مستقیم بیان نمی کرد بلکه اهتمام داشت که آن ها را به عنوان یک پیشنهاد یا خواهش و با کمال ادب و احترام مطرح کند؛ به طور مثال حضرت خدیجه (علیها السلام) وصیت های خود را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه مطرح می کند و می گوید: «یا رسول!...! می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه (علیها السلام) به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیم بازگو کنم. پیامبر از منزل بیرون رفت. آن گاه حضرت خدیجه (علیها السلام)، دخترش فاطمه (علیها السلام) را صدا کرد و به او گفت: «عزیزم! به پدر بزرگوار خود بگو که مادر من می گوید: من از قبر می ترسم تمنادارم مراد ردایی که که وقت نزول وحی آن رامی پوشی کفن نمایی.»^۱ بیان خواسته ها باید در زمان و شرائط مناسب و تا امکان دارد بصورت غیر مستقیم باشد.



۳۲- اظهار علاقه به همسر

یکی دیگر از نمونه های بارز سبک شوهرداری حضرت خدیجه (علیها السلام)، ابراز محبت به همسر گرمی خویش بود. حضرت خدیجه (علیها السلام) در اشعاری که منسوب به ایشان است، همسر خویش را با چنین مضامینی خطاب می کند: «اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن ها همیشه از آن من باشد، در نظر من به اندازه ی بال پشه ای ارزش ندارد زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.»^۱ و نیز هنگامی که پیامبر از سفر تجاری "شام" برگشت می خواست خبر به سلامت رسیدن کاروان را به حضرت خدیجه (علیها السلام) بدهد درب منزل ایستاد و فرمود: «السلام علیکم اهل البیت»! ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) عرض کرد: گوارا باد تو را تندرستی ای نور دیده من! حضرت فرمود: بشارت باد تو را که مال هایت به سلامت رسید! ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) عرض کرد: مژده سلامتی تو برای من کافی است، ای نور دیده ام، به خدا سوگند که تو نزد من گرمی تری از دنیا و آنچه در دنیاست از مال و اهل آن.

پس این شعر را خواند:

آن که قلبم مالا مال از محبت الهی اوست از سفر آمد و خورشید در چهره اش اثر گذاشته است.

از این که خورشید گونه ی او را بوسیده در شگفتم زیرا مقرر نیست که خورشید ماه را در یابد.^۲

بقول سعدی شیرین سخن:

گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شمارا



۱- انوار دخیان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری ۱، عباس حاجیانی دشتی، ص ۹۵.

۲- همان، ص ۹۰.

۳۳- اولین زن مسلمان

در اسلام سبقت در کارهای خیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در قرآن کریم به مؤمنین دستور می دهد: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا؛ پس در نیکی ها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست». خدای متعال جهاد و انفاق کسانی که قبل از فتح مکه انجام داده اند با کسانی که بعد از فتح مکه انجام می دادند یکسان و برابر نمی داند: «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.»^۲

بنابر این بفرموده ی قرآن کریم ایمان کسانی که از روی اشتیاق و میل و رغبت و در زمانی که اسلام در غربت بود و یار و یآوری نداشت و تحت فشار کفار قریش بودند و مسلمانان تحت شکنجه قرار می گرفتند و آزار و اذیت و گرسنگی و ظلم ها را تحمل می کردند با ایمان کسانی که بعد از رفع این مشکلات و بعد از قدرت گرفتن اسلام و حتی بعضی از افراد که بعد از فتح مکه به زور و یا ترس و یا طمع ایمان آوردند هرگز یکسان نیست.

خدای متعال می فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۳؛ و پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند! حال با توجه به این آیات کریمه عظمت مقام ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) و اهمیت ایمان او روشن می شود. زیرا زمانی او به پیامبر ﷺ ۵۷

ایمان آورد که همه جز امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دست رد به سینه اوزدند.

شیخ مفید (ره) نقل کرده که: امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: سه سال بر ما گذشت

۱- مانند، آیه ۴۸.

۲- حدید، آیه ۱۰.

۳- سوره بقره، آیه ۱۱۰ و ۱۱۱.





کسی روی زمین نماز نمی گزارد و کسی به حقانیت و نبوت رسول خدا ﷺ گواهی و شهادت نمی داد جز من و دختر خوید در حمها لله^۱.

پیامبر خدا ﷺ در جواب عایشه که خطاب به پیامبر ﷺ گفت: خداوند بهتر از خدیجه (ع.ا.س) (منظور خودش می باشد) به تو داده است فرمود: به خدا سوگند! بهتر از او به من نداده است. وقتی مردم کافر شدند او به من ایمان آورد و هنگامی که مردم تکذیب می نمودند مرا تصدیق کرد^۲.

۱-//الاختصاص، شیخ مفید، ص ۱۶۵.

۲-//المراجعات، سید شرف الدین عاملی، ص ۳۹۸ تا ۴۰۰.

۳۴- ایمانی آگاهانه

اسلام آوردن حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) با اسلام آوردن دیگر مسلمانان خیلی تفاوت دارد، زیرا اکثر قریب به اتفاق مسلمانان به کندی اسلام را پذیرفتند، به مشورت پرداختند و در اطراف جریان رایزنی کردند، ولی حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) سریع و بدون تأخیر اسلام را پذیرفت. منشأ شتاب وی در قبول کردن اسلام دو چیز بود:

اول: آن حضرت نسبت به ادیان و کتب گذشته و نشانه های پیامبران آگاه بود و علم داشت این را از عمویش ورقه بن نوفل آموخته بود. و همواره در انتظار پیامبر آخر الزمان بود و از نشانه ها و خصوصیات او و زمان ظهورش می پرسید و نگران این بود که آیا او زمان پیامبر آخر الزمان را درک می کند یا نه؟ او این نشانه ها را در وجود پیامبر و اخباری که به او رسیده بود می دید. اومی دانست که محمد (صلی الله علیه و آله) به زودی به نبوت و تبلیغ رسالت این امت مبعوث و نبوت خود را آشکار خواهد نمود. لازمه ی این آگاهی و دانش این بود که حضرت ام المؤمنین به خدای تعالی ایمان داشته باشد- که این گونه بود- زیرا وی بر دین حضرت ابراهیم خلیل الله (علیه السلام) بود و او را طاهره می گفتند.

دوم: اومی دانست که محمد (صلی الله علیه و آله) با داشتن اوصافی همچون راستگویی امانت داری، حسن خلق و صله رحم، مرد میدان نبوت و رسالت است و در میان امت کسی از او برتر و افضل نیست که بتواند بار این مسؤولیت را به دوش کشد. به همین منظور طبق نقل مورخین وقتی از غار ”حرا“ برگشت و داستان خود را برای حضرت خدیجه (علیها السلام) تعریف کرد حضرت خدیجه (علیها السلام) به او عرض کرد: ای پسرعمو من بگو بگو، سوگند به آن که جان خدیجه (علیها السلام) در دست اوست من امید این را دارم که تو پیامبر این امت باشی!

از آنچه تا کنون گفتیم روشن شد اسلام آوردن حضرت خدیجه (علیها السلام) دارای ویژگی است و با اسلام آوردن دیگران فرق دارد. آری اسلام آوردن وی از روی علم و باور بود، برخلاف





مسلمان شدن دیگران که چنین نبود. روی این جهت می توان گفت: پذیرفتن اسلام با علم مایه ی تقرب به ذات اقدس الهی است و بدون علم چنین نیست: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟!» حضرت ام‌المؤمنین خدیجه (علیها السلام) پیش از ازدواجش با حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) معجزاتی را که میسر از حضرت برایش نقل کرده بود، به ورقه بن نوفل پسرعموی خود گفت. ورقه این شعر را که حاکی از انتظار وی از بعثت پیامبر است سرود:

و وصف من خدیجة بعد وصف	فقد طال انتظار ی یا خدیجا
بأن محمداً (صلی الله علیه و آله) سیسودفینا	ویخضم من یكون له حجیجا ^۱

بعد از بیان نمودن خدیجه (علیها السلام) اوصاف پیامبر را، به او گفتم: ای خدیجه (علیها السلام)! انتظار من به درازا کشید. من می دانم که محمد (صلی الله علیه و آله) در میان ما به سیادت و سروری خواهد رسید و بر دشمنانش پیروز می شود.

۱- زمزم، آیه ۹.

۲- سیره ی نبویه، ابن هشام، ج ۱ ص ۲۰۳.

۳۵- حضرت خدیجه (علیها السلام) وزیر صداقت

انسان در پیمودن راه و انجام کارهای بزرگ نیاز به یار و یاور با صداقت دارد که در کارها با او به رایزنی و مشورت بپردازد و از نیروی فکری و جسمانی او بهره مند گردد. نمونه‌ی بارز آن حضرت موسی (علیه السلام) است که وقتی مأمور به رسالت شد از خداوند درخواست کرد که برادرش حضرت هارون (علیه السلام) را به عنوان وزیر او انتخاب کند تا به کمک او نیروی جسمی و فکری او قوی‌تر گردد. «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي؛ و وزیری از خاندانم برای من قرار ده ... برادرم هارون را! با او پشتم را محکم کن.» انسان با داشتن وزیری دانا و لایق کارها را بهتر پیش می‌برد و موفق تر خواهد بود. حضرت خدیجه (علیها السلام) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) وزیری دانا، لایق و با صداقتی بود. ابن اثیر می‌نویسد: «حضرت خدیجه (علیها السلام) برای اسلام، وزیر با صداقت بود»^۲ و ابن جوزی از دیگر دانشمندان اهل سنت می‌نویسد: حضرت خدیجه (علیها السلام) وزیر صدق و راستی بود.^۳



۱- طه، آیه ۲۹ و ۳۰.

۲- اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۴۳۹.

۳- تذکرة الخواص، سبط بن جوزی، ص ۳۱۲.

۳۶- تاحضرت خدیجه (علیها السلام) در حیات بود پیامبر (صلی الله علیه و آله) زنی دیگر اختیار نکرد

یکی از فضائل حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) احترام فوق العاده ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به ایشان بود که در جای جای زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مشهود است. این احترام به حدی بود که تاحضرت خدیجه (علیها السلام) زنده بود هیچ زن دیگری اختیار نکرد. ابن عبدالبر قرطبی مالکی از ابو عمرو نقل کرده: اختلاف ندارند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمان جاهلیت غیر از ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) زنی دیگر اختیار نکرد و تا او زنده بود با هیچ زنی ازدواج ننمود.^۱

ذهبی از علماء بزرگ اهل سنت گفته: مناقب حضرت ام المؤمنین خدیجه کبری (علیها السلام) فراوان است و او از زنانی است که به درجه ی کمال رسید. عاقل، باجلالت، بادیانت، پاک و پاکدامن، بزرگوار و از اهل بهشت بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را می ستود و از زنان دیگرش برتر می دانست و در تعظیم او مبالغه می کرد تا جایی که عایشه می گوید: به اندازه ای که برخدیجه (علیها السلام) رشک می بردم بر هیچ زنی دیگر رشک نبردم به این خاطر که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فراوان او را یاد می کرد و احترامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت ام المؤمنین خدیجه (علیها السلام) می نمود تا زنده بود حضرت زنی دیگر اختیار نکرد و از کنیزی نیز استفاده ننمود، و از کرامت ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) این بود که حضرت پیش از او با زنی ازدواج ننمود. وقتی که وفات کرد پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخت اندوهناک گردید زیرا خوب همسری بود و از اموالش بر حضرت اتفاق می نمود و آن حضرت با اموال او تجارت می کرد. خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) امر کرد که به ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) مژده دهد که در بهشت خانه ای از مروارید دارد که در آن نه غوغا و آشوب است نه سختی.^۲



۱- الاستیعاب در حاشیه الاصابه، ج ۴ ص ۲۸۲، به نقل از انوار درخشان حضرت خدیجه کبری، عباس حاجبانی دشتی، ص ۱۴۳.

۲- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲ ص ۱۱۰.

۳۷- همسر فداکار و یار باوفای پیامبر ﷺ

این بانوی بزرگ و با عظمت در احترام و محبت به رسول خدا ﷺ در تمام ابعاد از هیچ کوششی فروگذاری نمی کرد. در آن روزگار سخت و مقطع زمانی دشوار که پیامبر ﷺ با آن روبرو بود این زن، بایک دنیا صلابت و استقامت به یاری او بر می خاست. وقتی که از بیرون به منزل بر می گشت برخورد های ناروایی که با او شده بود او را آزار می داد با اظهار محبت و برخورد توأم با مهر همه را از یادوی می برد. از درب خانه که وارد می شد به استقبال او می رفت و با آن حب ایمانی و الهی و احترام فوق العاده، حضرت را از یاد آن ناملایمات بیرون می آورد و در تحمل بار سنگین رسالت و تبلیغ او را یاری می نمود، تا بتواند این دین و رسالت جاودان را در میان اجتماع منتشر سازد. در گفتار و رفتار به گونه ای بود که رسول گرامی اسلام ﷺ در مقابل دشمنی هایی که با او می شد هیچ گاه احساس ناتوانی و ضعف نمی نمود. اکنون به این جمله از تاریخ توجه بفرمایید:

ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) نخستین زنی بود که به خدا و رسول ایمان آورد (اظهار ایمان نمود و گر نه از سابق هم با ایمان بود) و رسول خدا ﷺ در دینی که آورده بود تصدیق نمود و در کار تبلیغ دین به او کمک کرد و خدا به وسیله ی ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) سنگینی آن کار را آسان و سبک نمود. هر چه در بیرون خانه می شنید که ناخوشایندش بود مانند این که نبوتش را تکذیب می کردند، خدا به وسیله ی ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) آن را از حضرت رفع می نمود. وقتی که به منزل بر می گشت او را دلداری می داد و در تبلیغ دین دلگرم می کرد و نمی گذاشت بر حضرت رسول ﷺ فشار وارد آید. تا زنده بود به این کار ادامه داد.^۱



۳۸- محبت پیامبر ﷺ نسبت به حضرت خدیجه کبری

هیچ مورخ و محدثی منکر محبت پیامبر خدا ﷺ نسبت به حضرت خدیجه کبری ﷺ نیست و همه به نوعی این محبت را بیان می دارند. اما نکته ای که باید بیان کنیم این است که این محبت از نوع محبت های متداول و معمول بین هر زن و شوهری که بیشتر جنبه ی کام جویی دارد نیست. بلکه یک محبت خالصانه ی الهی بوده است. این مطلب از کلمات رسول خدا ﷺ به خوبی استفاده می شود:

گنجی شافعی با ذکر سند از عایشه نقل می کند که: نسبت به هیچ یک از زنان پیامبر ﷺ رشک نورزیدم جز حضرت خدیجه ﷺ من دورانی که همسر پیامبر بود درک نکردم اما از بس که حضرت او را یاد می کردم رشک می بردم. وقتی گوسفندی را ذبح می کرد می فرمود: برای دوستان حضرت خدیجه ﷺ گوشت بفرستید!

روزی رسول خدا ﷺ به خشم آوردم! گفتم: پیوسته می گویی خدیجه ﷺ حضرت فرمود: محبت او روزی من شده است.^۱

از این حدیث استفاده می شود که محبت و دوستی رسول خدا ﷺ با حضرت خدیجه ﷺ نه از نوع دوستی متعارف میان زنان و شوهران بوده و نه بخاطر معاشرت خوب ام المؤمنین حضرت خدیجه ﷺ با حضرت بوده که این دوستی به حسب رتبه و مقام از آن دوستی که در روایت آمده متأخر بوده است آن دوستی که حضرت فرمود: « محبت او روزی من شده است » دوستی است الهی که خدای تبارک و تعالی در قلب رسول خدا ﷺ قرار داده است و دلالت بر عظمت و بزرگواری ام المؤمنین حضرت خدیجه ﷺ دارد.^۲

روزی رسول خدا ﷺ نزد همسرانش از حضرت خدیجه ﷺ یاد کرد و گریه نمود. عایشه گفت: این چه کاری است؟ بر پیرزنی از پیرزنان بنی اسد گریه می کنی؟ پس



۱- کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب، گنجی شافعی، ص ۳۵۹.

۲- انوار درخشان ام المؤمنین خدیجه کبری، عباس حاجیان دشتی، ص ۱۶۷.

حضرت فرمود: روزگاری که مرا تکذیب می کردید او مرا تصدیق کرد و ایامی که کفر می ورزیدید او به من ایمان آورد و او برایم فرزند متولد کرد و شما عقیم بودید. عایشه گوید: پس از آن بایاد کردن حضرت خدیجه علیها السلام خودم رابه رسول خدا صلی الله علیه و آله مقرب می کردم.^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله آن مقدار که مدح و ثنای ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام گفت، مدح و ثنای دیگری نگفت. هیچگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون نمی رفت مگر این که ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام رایادمی کرد و او رابه نیکی می ستود.^۲ آری این درس بزرگی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردان جامعه دادند که قدردان خوبی های همسرانشان باشند نه تنها در زمان حیاتشان به آنها احترام بگذارند و مورد محبت قرار دهند حتی بعد حیاتشان نیز از خوبی های آنها یاد کنند و آنها را تکریم کنند. حضرت خدیجه علیها السلام نیز به زنان در طول تاریخ این درس را دادند. که آن گونه در زندگی زناشوییتان رفتار کنید که نه تنها در زمان حیات مورد محبت و احترام شوهرانتان باشید حتی بعد از حیات نیز شما رابه نیکی و کرامت یاد کنند.



۱- کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۱ ص ۵۰۸.

۲- الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۴ ص ۲۸۳.

۳۹- اولین زن نمازگزار

یکی از ویژگیهای مؤمنان برپایی و اقامه نماز است. نماز در فرهنگ اسلام ستون خیمه دین و معیار قبولی اعمال است. خداوند متعال در سوره ی مؤمنون وقتی عوامل رستگاری مؤمنان را برمی شمرد می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ^۱؛ مؤمنان رستگار شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند.» این نماز است که انسان را از زشتی ها و بدی ها بازمی دارد. «و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد.»^۲

نماز ذکر بزرگ الهی است که نور خدا را همواره در دل و جان انسان روشن نگه می دارد. نماز اولین واجب الهی است و اولین عملی است که در روز قیامت از انسان سؤال می شود. امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: اولین چیزی که از بنده ی خدا سؤال می شود نماز است. اگر نمازش قبول شد سایر اعمالش قبول می شود^۳. «نماز از اولین اعمال عبادی است که دستورش به پیامر داده شد و مأمور شد که اهل بیتش را امر به نماز کنند. در سوره ی ”طه“ که از اولین سوره های قرآن است که نازل شده می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى^۴؛ خانواده ی خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست!» اهل خانه ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن زمان حضرت خدیجه (علیها السلام) و حضرت علی (علیه السلام) بود که تحت ولایت و سرپرستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. بنابر دستور خدای متعال پیامبر (صلی الله علیه و آله) خدیجه (علیها السلام) و حضرت علی (علیه السلام) را طلبید و به

۱- مؤمنون، آیات ۱ و ۲ و ۹.

۲- عنکبوت، آیه ۴۵.

۳- الفقه المنسوب الى الامام الرضا (ع)، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۸۰، ص ۲۰.

۴- طه، آیه ۱۳۲.



آنان فرمود: «جبرئیل نزد من است و به شما می گوید: اسلام، شرط ها و عهد و پیمان هایی دارد، سپس فرمود: از اعمالی که لازم است انجام دهید، وضو گرفتن است، یعنی شستشوی صورت و دست ها و مسح سر و پاها تا مرق و نماز گزاردن و... ای خدیجه علیها السلام! شروطی را که خداوند برای پذیرش اسلام مقرر کرده را شنیدی؟ حضرت خدیجه علیها السلام در جواب عرض کرد: ”نعم! آمَنْتُ وَصَدَقْتُ وَرَضِيتُ وَوَسَلَّمْتُ؛ آری! ایمان آوردم و همه را گواهی می دهم و خوشنودم و تسلیم هستم!“^۱»

حال با توجه به مطالب بالا به عظمت مقام ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام پی می بریم وقتی گفته می شود او اولین زن مسلمانی است که نماز را برپا داشت.

محدث نوری: اول کسی که از مردان نماز گزارده حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است و از زنان حضرت خدیجه^۲ علیها السلام.

و محدث بحرانی می گوید: پیامبر اول روز دوشنبه نماز گزارد و حضرت ام المؤمنین خدیجه علیها السلام آخر آن روز^۳.



۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، ج ۴ ص ۴۵۵.

۳- خاتمة المرام، علامه بحرانی، ص ۵۰۱.

۴۰- حضرت خدیجه (ع.ا.س) و یاری رسول خدا (ص.ا.ع)

این بانوی با عظمت نفس نفیس خود و داراییش را در راه یاری رساندن به این دین حنیف بذل کرد و از هیچ کوششی در راه یاری رسول خدا (ص.ا.ع) و پیشبرد دین مبین اسلام فروگزاری نکرد. و این بیانگر بزرگی شخصیت و روح والا و اندیشه ی عمیق و بصیرت حضرت خدیجه (ع.ا.س) کبری است که تمام دارایی خود را در راه دین و در خدمت پیامبر اکرم (ص.ا.ع) قرارداد.

علامه مجلسی (ره) می نویسد: ام المؤمنین حضرت خدیجه (ع.ا.س) به عموی خود ورقه بن نوفل گفت: این اموال را بر دار و خدمت محمد (ص.ا.ع) بیرو به اوعرض کن: این اموال همه به توهیده می شود و این اموال ملک اوست هرگونه بخواید در او تصرف نماید، و به اوعرض کن: همانا داراییم و غلامانم و هرآن چه را که مالک هستم و آن چه در اختیار من هست به راستی آنها را به محمد هبه نمودم بخاطر جلالت و بزرگواری او!

پس ورقه بین زمزم و مقام ایستاد و با صدای بلند ندا کرد: ای مردم عرب! همانا خدیجه (ع.ا.س) شمارا گواه می گیرد که نفس خودش و دارایی و غلام و کنیزانش و هر چه را که مالک است و چهار پایان و مهر و هدایا همه را به محمد (ص.ا.ع) هدیه نموده است، و هرآن چه به محمد (ص.ا.ع) هدیه نموده پذیرفته شده است.

آن چه هدیه نموده بخاطر جلالت و بزرگواری و محبت خدیجه (ع.ا.س) به اوست، پس گواه باشید!

و باز مرحوم مجلسی (ره) می نویسد: وقتی آیه ۹۴ سوره حجر «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ؛ آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)» نازل گردید رسول خدا (ص.ا.ع) در موسم حج روی کوه صفا ایستاد و ندا کرد: ای مردم! بر راستی که من پیامبر خدا، پروردگار جهانیان هستم. پس



مردم چپ چپ به اونگاه کردند ”سه مرتبه این جمله را تکرار کرد- پس به کوه مروه آمد سپس دست مبارکش را در گوش خود گذاشت و سه مرتبه با صدای بلند ندا کرد: ای مردم! من پیامبر و فرستاده ی خدا هستم! پس مردم چپ چپ به اونگاه کردند و ابوجهل خدارویش رازش کند “سنگی به پیشانی حضرت زد که آن موضع را شکافت و سایر مشرکان از ابوجهل پیروی کردند و به آن حضرت سنگ زدند. پس حضرت از آنجا فرار کرد، به طرف کوه آمد و بجایی که به آن «متکاء» می گفتند تکیه داد و مشرکان در پی حضرت آمدند. در این میان مردی به نزد علی بن ابیطالب (علیه السلام) آمد و گفت: ای علی (علیه السلام) محمد (صلی الله علیه و آله) راکشند. پس علی (علیه السلام) به منزل خدیجه (علیها السلام) رفت و درب منزل را کوید. ام المؤمنین حضرت خدیجه (علیها السلام) گفت: کیست کوبنده در؟ فرمود: من علی (علیه السلام) هستم! خدیجه (علیها السلام) عرض کرد: ای علی (علیه السلام) محمد (صلی الله علیه و آله) چه کار کرد؟ فرمود: نمی دانم جز این که مشرکان به اوسنگ زدند و نمی دانم زنده است یا از دنیا رفته است. اکنون ظرف آبی به من بده و تو کمی حلوا بردار، بیاباهم برویم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را جستجو کرد و او را پیدا کنیم اگر زنده باشد! اکنون گرسنه و تشنه است. پس امیر المؤمنین (علیه السلام) که حضرت خدیجه (علیها السلام) همراه او بود راه افتاد تا زکوه گذشت و به حضرت خدیجه (علیها السلام) فرمود: دره هارابرسی کن تا او را بیابیم! پس علی (علیه السلام) صدامی زد: ای محمد (صلی الله علیه و آله) ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جانم به قربانت کجایی؟ و ام المؤمنین (علیها السلام) صدامی زد: که به من خبر پیامبر برگزیده رامی دهد؟ چه کسی از بهار عمر من خبر دارد؟ چه کسی از آن که در راه خدا رانده از خانه و زندگی شده خبر دارد؟ چه کسی از ابوالقاسم خبر می آورد؟

در این اثنا جبرئیل (علیه السلام) نازل گردید. وقتی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او افتاد گریه کرد و فرمود: می بینی قوم من بر سرم چه آوردند؟ مرا تکیذ کردند و از نزد خود راندند و بیرون کردند. پس جبرئیل گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله) دست رابه من بده! پس دست پیامبر (صلی الله علیه و آله) را گرفت، او را بالای



کوه نشاند. پس از زیربال خودفرشی از فرشهای بهشتی که بادرویا قوت بافته شده بود بیرون آورد و آن را گسترانید که همه ی کوه های تهامه را گرفت. آن گاه دست پیامبر را گرفت و بر روی آن نشاند ... و همه فرشتگان مأمور آسمانها، زمین، دریا، کوه ها و... برای خدمتگزاری و انتقام به حضور حضرت رسیدند.

رسول خدا فرمود: شما مأمورید که از من فرمان ببرید؟ گفتند: آری! پس حضرت سربارک خود را به آسمان بلند کرد و صدا زد: من برای عذاب مبعوث نشده ام بلکه رحمت برای جهانیان مبعوث شده ام، مرا با قوم خود و اگذارید که آنهانی دانند.

جبرئیل (علیه السلام) به ام المؤمنین خدیجه (علیها السلام) نگاه می کرد که در دره و کوه های این طرف و آن طرف دور می زد، پس عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خدیجه (علیها السلام) را می بینی به خاطر گریه ی او ملائکه آسمان به گریه درآمدند. او را به سوی خودت بخوان و از جانب من به او سلام برسان و به او بگو: همانا خدا به تو سلام می رساند و به او مژده داده که برای وی در بهشت خانه ای است از مروارید تازه که در آن نه خستگی است و نه سروصدا اساس آن از مروارید است و باطلا آراسته شده سپس خون از چهره حضرت به روی زمین سرازیر می شود و حضرت آنهارا پاک می نمود و نمی گذاشت روی زمین بریزد. خدیجه (علیها السلام) عرض کرد: پدر و مادرم فدایت! بگذار خون ها روی زمین بریزد! فرمود: می ترسم خشم و عذاب پروردگارم بر ساکنان روی زمین نازل گردد.

پس وقتی که شب رسید حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و خدیجه (علیها السلام) به منزل برگشتند و حضرت خدیجه (علیها السلام) پیامبر را به منزل آورد و زیر سایبان و سنگ مخصوص نشاند و خود و بر وی حضرت ایستاد و بعبای خود وی را می پوشاند. مشرکان به منزل روی آوردند و حضرت را سنگ باران می کردند ولی هر وقت سنگی از بالای سر می آمد دیوارها از او محافظت می کردند و اگر از جلوی روی می آمد حضرت خدیجه (علیها السلام) خود را



سپر قرار می داد و صدا می زد : ای مردم قریش ! چرا مرا در منزلم سنگ باران می کنید؟ آنان که صدای ام المؤمنین خدیجه علیها السلام را شنیدند برگشتند. صبح که شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مسجد تشریف برد و به نماز خواندن مشغول شد. آری این حدیث تنها گوشه ای از فداکاری های حضرت خدیجه علیها السلام را بیان می دارد. ولی اگر تنها همین یک حدیث هم بود بیانگر میزان فداکاری ایشان بود که جانش را سپر بلای جان پیامبر می کرد.





سوالات مسابقه

۱- اهل بهشت در مقابل چه چیزی از غرفه ها و تحیت و سلام بهره مند می گردند ؟

(الف) ترک معصیت (ب) اقامه نماز (ج) جهاد (د) صبر و استقامت

۲- یکی از فضائل مهم حضرت خدیجه (علیها السلام) بر ملائکه می باشد .

(الف) ایثار اموال (ب) مباحات خداوند (ج) فداکاری برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) (د) مباحات جبرئیل

۳- این جمله پیامبر (صلی الله علیه و آله) که : « خداوند بهتر از او را به من نداده است » در جواب چه کسی و در باره کیست ؟

(الف) عایشه - خدیجه (ب) حفصه - عایشه (ج) عایشه - حضرت زهرا (علیها السلام) (د) حفصه - ام السلمه

۴- کدام یک از انمه (علیهم السلام) در مقام شامخ حضرت خدیجه (علیها السلام) شعر سروده است ؟

(الف) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (ب) امام حسن مجتبی (علیه السلام) (ج) امام علی (علیه السلام) (د) امام صادق (علیه السلام)

۵- کدام یک از شخصیت های ذیل، حضرت خدیجه (علیها السلام) را به کرامت، سخاوت، پاکدامنی و عفت توصیف

کرده است ؟

(الف) عبدالمطلب (ب) امام حسین (علیه السلام) (ج) ابوطالب (د) زیدبن علی (علیه السلام)

۶- این کلام «همسر او پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یار و یاورش می باشد .» از کیست ؟

(الف) امام حسن مجتبی (علیه السلام) (ب) حضرت آدم (علیه السلام) (ج) حضرت نوح (علیه السلام) (د) امام علی (علیه السلام)

۷- مردم مکه به کمک چه کسی از بردن حجر الاسود جلوگیری کردند ؟

(الف) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (ب) امام علی (علیه السلام) (ج) خویلد (د) حمزه (علیه السلام)

۸- حضرت خدیجه (علیها السلام) در نیای چندم با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به هم می رسند ؟

(الف) دهم (ب) هفتم (ج) چهارم (د) پنجم

۹- لقب طاهره در چه زمانی به حضرت خدیجه داده شده است ؟

(الف) دوره جاهلیت (ب) بعد از ازدواج با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (ج) بعد از بعثت (د) بعد از اسلام

۱۰- سیده زنان قریش لقب چه کسی می باشد ؟

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) ب) حضرت آمنه (علیها السلام) ج) ام السلمه د) حضرت خدیجه (علیها السلام)

۱۱- امام حسین (علیه السلام) رفع نیاز نیازمندان را چه می داند ؟

الف) نعمت الهی ب) عاقبت بخیری ج) وسیله توفیق د) نعمات بهشتی

۱۲- لقب « ام المومنین » را چه کسی به زنان پیامبر (علیهم السلام) داده است ؟

الف) پیامبر اکرم (علیه السلام) ب) امام علی (علیه السلام) ج) جبرئیل امین (علیه السلام) د) خدای متعال

۱۳- کدام یک از زنان زیر جزء بهترین زنان جهان می باشد ؟

الف) حضرت خدیجه (علیها السلام) ب) آسیه ج) صفیه د) الف و ب

۱۴- سرچشمه خیر فراوان معنی کدام یک از القاب زیر است و لقب چه کسی است ؟

الف) هانیه- حضرت خدیجه (علیها السلام) ب) هانیه- حضرت زهرا (علیها السلام)

ج) مبارکه- حضرت خدیجه (علیها السلام) د) مبارکه- عایشه

۱۵- طبق نظر « ابن حجر عسقلانی » کلام پیامبر (علیه السلام) که می فرماید « حضرت خدیجه (علیها السلام) بر زنان امت من

برتری یافته است » به برتری حضرت خدیجه (علیها السلام) بر کدام یک از زنانش استدلال دارد ؟

الف) زینب ب) خوصه ج) ام السلمه د) عایشه

۱۶- این کلام « حضرت خدیجه، زنی تیز بین، اندیشمند و با شرافت بوده است. » از کدام یک از محدثین می

باشد ؟

الف) شیخ عباس قمی ب) علامه امینی ج) اربلی د) عسقلانی

۷۳

۱۷- این کلام که « خداوند ما را از نسل ابراهیم و دودمان اسماعیل و برای ما خانه ای قرارداد که زیارتگاه

است » از چه کسی می باشد و در چه زمانی ایراد شده است ؟

الف) عبدالمطلب- هنگام عقد ب) پیامبر اکرم (علیه السلام)- بعثت

ج) ابوطالب- بعثت د) ابوطالب- قرائت خطبه عقد





۱۸- چه کسی واسطه تزویج رسول خدا ﷺ با حضرت خدیجه ﷺ شد؟
 الف) ابوطالب ب) عبدالمطلب ج) حمزه د) خویلد

۱۹- چه چیزی سبب تمایل حضرت خدیجه ﷺ به ازدواج با پیامبر بود؟
 الف) طایفه خوب ب) شمایل حضرت ج) معنویات حضرت د) رشادت حضرت

۲۰- برترین معیار انتخاب همسر از دیدگاه حضرت خدیجه ﷺ چه بود؟
 الف) مال و ثروت ب) طایفه، ثروت ج) خویشاوندی، شرافت، احترام و امانتداری د) همه موارد

۲۱- این کلام « به خانه خودت خوش آمدی خانه، خانه توست و من نیز کنیز تو می باشم. » از کیست؟
 الف) حضرت زهرا ﷺ ب) حضرت خدیجه ﷺ ج) حضرت آمنه د) حضرت زینب ﷺ

۲۲- این آیه « وای بر کسانی که قلبهای سخت در مقابل ذکر خدا دارند » در کدام سوره قرآن آمده است؟
 الف) بقره آیه ۱۲۰ ب) انعام آیه ۱۲۵ ج) زمر آیه ۲۲ د) طه آیه ۵۰

۲۳- کدام یک از زنان زیر «مهریه اش» از اموال خودش داد؟
 الف) حضرت فاطمه ﷺ ب) حضرت زینب ﷺ ج) حضرت هاجر ﷺ د) حضرت خدیجه ﷺ

۲۴- کدام یک از زنان زیر همسر پیامبر در دنیا و آخرت می باشد؟
 الف) آسیه ب) عایشه ج) خدیجه ﷺ د) حفصه

۲۵) این کلام « چهارتن از زنان هستند که بهشت مشتاق دیدار آنهاست » از کیست و در باره کدام یک از زنان می باشد؟

الف) پیامبر- خدیجه ﷺ ب) پیامبر- عایشه
 ج) امام علی (علیه السلام)- خدیجه ﷺ د) امام علی (علیه السلام)- ام السلمه

۲۶- این کلام « پیامبر او (خدیجه ﷺ) را ستایش کرده و بر دیگر زنانش برتری داده است. » از کدام یک از دانشمندان اهل سنت می باشد؟

الف) ابن حجر عسقلانی ب) ذهی ج) ابن ابی الحدید د) ابن کثیر

۲۷- بنا بر نظر ابن عساکر از دانشمندان اهل سنت حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج چند سال داشت ؟

الف) ۴۰ سال ب) ۳۵ سال ج) ۳۸ سال د) ۲۸ سال

۲۸- بنابر نظر بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی « زینب و رقیه » دختران چه کسی بوده اند ؟

الف) حضرت خدیجه علیها السلام ب) ام السلمه ج) ماریه قبطیه د) هاله خواهر خدیجه علیها السلام

۲۹- این کلام « در خانه خود وارد شوید خانه ، خانه توست و من کنیز تو هستم » نشان از چه چیزی می باشد ؟

الف) تواضع در مقابل شوهر ب) احترام مقام شوهر

ج) از خود گذشتگی برای تحکیم پایه خانواده د) همه موارد

۳۰- به گفته علامه مجلسی هنگام نزول وحی در غار حرا چه کسانی نزد پیامبر بودند ؟

الف) امام علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام ب) امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

ج) امام علی علیه السلام و آمنه د) امام علی علیه السلام و مادرش فاطمه

۳۱- کدام یک از گزینه های زیر از اخلاق شوهرداری می باشد ؟

الف) فرزند آوری ب) تلاش برای جلب رضایت همسر ج) طرح غیر مستقیم خواسته ها د) ب و ج

۳۲- از اخلاق شوهرداری به شوهر می باشد .

الف) اظهار علاقه ب) تربیت فرزندان ج) احترام به شوهر د) الف و ج

۳۳- بنا بر گزاره های تاریخی و حدیثی اولین زن مسلمان کیست ؟

الف) حضرت آمنه علیها السلام ب) حضرت آسیه علیها السلام ج) حضرت خدیجه علیها السلام د) حضرت فاطمه علیها السلام

۷۵

۳۴- کدام یک از گزینه های ذیل از عوامل پذیرش سریع اسلام برای حضرت خدیجه علیها السلام بود ؟

الف) آگاهی او نسبت به ادیان ب) علاقه او به پیامبر صلی الله علیه و آله ج) اوصافی که در پیامبر می دید د) الف و ج

۳۵- این کلام « حضرت خدیجه وزیر صدق و راستی بود » از کدام یک از دانشمندان زیر می باشد ؟

الف) ذهبی ب) ابن جوزی ج) ابن کثیر د) علامه مجلسی



۳۶- این کلام « بخاطر احترامی که پیامبر به حضرت ام المومنین خدیجه علیها السلام می نمود تا زنده بود زنی دیگر اختیار نکرد » از کدام یک از دانشمندان زیر می باشد ؟
 الف) علامه امینی ب) علامه بحرانی ج) ابن کثیر د) ذهبی

۳۷- این کلام « خداوند به وسیله حضرت خدیجه علیها السلام سنگینی آن کار (رسالت) را آسان و سبک نمود.. » از کدام دانشمندان ذیل می باشد ؟
 الف) علامه مجلسی ب) علامه بحرانی ج) ابن اثیر جزدی د) الف وج

۳۸- اولین کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرماید « محبت او (خدیجه علیها السلام) روزی من شده است » چه استفاده ای می شود ؟
 الف) محبت الهی و رسول خدا صلی الله علیه و آله ب) بزرگواری حضرت خدیجه علیها السلام
 ج) رافت قلب پیامبر صلی الله علیه و آله د) همه موارد

۳۹- هنگامی که خداوند امر کرد « خانواده خودت را به نماز فرمان بده » (طه آیه ۱۳۲) پیامبر صلی الله علیه و آله از چه کسانی عهد گرفت ؟
 الف) علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام ب) علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام ج) آمنه و خدیجه علیها السلام د) همه موارد

۴۰- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب ملائکه ... که برای یاری آمده بودند چه فرمود ؟
 الف) من برای عذاب مبعوث نشده ام ب) من رحمه للعالمین هستم
 ج) مرا با قوم خودم واگذارید د) همه موارد



پاسخنامه

نام و نام خانوادگی

نام پدر

تاریخ تولد

شماره تماس

سؤال	الف	ب	ج	د	سؤال	الف	ب	ج	د
۱					۲۱				
۲					۲۲				
۳					۲۳				
۴					۲۴				
۵					۲۵				
۶					۲۶				
۷					۲۷				
۸					۲۸				
۹					۲۹				
۱۰					۳۰				
۱۱					۳۱				
۱۲					۳۲				
۱۳					۳۳				
۱۴					۳۴				
۱۵					۳۵				
۱۶					۳۶				
۱۷					۳۷				
۱۸					۳۸				
۱۹					۳۹				
۲۰					۴۰				

پاسخنامه را به آدرس ذیل ارسال نمایید:

قم - خیابان لواسانی (خیابان ساحلی) - جمعیت هلال احمر - دفتر نمایندگی ولی فقیه

